



انترناسیونال ۳۷۵

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۸ آبان ۱۳۸۹، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه | anternasional@yahoo.com | Fax: 001-519 461 3416 | جمعه ها منتشر میشود

پیام مینا احدی در مورد نمایش تلویزیونی جمهوری اسلامی علیه سکینه، سجاد، هوتن و خبرنگاران آلمانی



جمهوری اسلامی بار دیگر سکینه را اینبار به اتفاق فرزند و وکیل و دو خبرنگار آلمانی به نمایش تلویزیونی کشاند. بر هیچ کسی پوشیده نیست که در پس هر نمایش تلویزیونی رژیم ساعتها شلاق و

صفحه ۲

مینا احدی در گفتگو با تلویزیون کانال جدید

در مورد نمایش تلویزیونی جمهوری اسلامی

آشتیانی. در این برنامه تصاویری از سجاد قادرزاده، فرزند سکینه و همینطور هوتن کیان وکیل او بصورت مبهم نشان داده شد و همچنین تصاویر دو خبرنگار آلمانی نشان داده شد و بارها و بارها صدای مینا

صفحه ۲

کاظم نیکخواه: بینندگان عزیز! همانطور که حتما اطلاع دارید، تلویزیون صدا و سیمای جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۴ آبان در بخش "۳۰: ۸" برنامه ای را پخش کرد در مورد مسئله و پرونده سکینه محمدی

محاكمه مرتضوی پیش در آمد محاكمه خامنه ای است



کاظم نیکخواه

پرونده جنایات کهریزک گویای حقایق بسیاری در مورد صحنه سیاسی در ایران است. حدود يك سال پیش زمانی که هنوز انقلاب در خیابان ها بود و حکومت و سران منفورش بشدت تلاش میکردند جنایت کهریزک را کوچک جلوه دهند و خامنه ای گفته بود ظلمی که به نظام رفت از "وقایع کهریزک سنگین تر است، در این نشریه چنین نوشتیم: "سعید مرتضوی و احمد رضا رادان و بقیه شکنجه گران و جنایتکاران کهریزک باید علنا و با حضور خبرنگاران و هیئت های بی طرف بین المللی محاکمه شوند. این خواست را ما مردم به کرسی خواهیم نشاند." نوشتیم که پرونده کهریزک تا سرنگونی جمهوری اسلامی باز خواهد ماند. طی این مدت از شخص خامنه ای تا تمام لایه رهبری جمهوری اسلامی تلاش و تقلا و رفت و آمد و مذاکرات و ریش گرو گذاشتن های بسیاری کردند که شاید بتوانند خودرا از شر پرونده جنایات کهریزک خلاص کنند. اول جنایت را کلا انکار کردند اما خیلی زود به غلط کردم افتادند. بعد تلاش بسیاری کردند که نام عزیز دردانه خامنه ای و سر جلاشان سعید مرتضوی را از پرونده این جنایات وحشیانه پاک کنند. نتوانستند. سعی کردند او را از جلوی چشم کنار بگذارند شاید مساله حل شود نتوانستند. سعی کردند شمار دیگری از شکنجه گران جزء ترا قربانی کنند و حتی حکم قصاص برای دو سه شکنجه گر پایین تر صادر کردند و نتوانستند. اکنون یعنی همین روزها "دادستان انتظامی قضات" جمهوری اسلامی اعلام کرد که سه قاضی در ارتباط به پرونده کهریزک تعلیق شده اند" که بنا به گزارش

صفحه ۳

جمهوری اسلامی ضد کمونیست و مینا احدی کمونیست

اما جمهوری اسلامی علیرغم همه تلاشش، قادر به کوچکترین حمله ای به مینا احدی نبود. آخر به کدام فعالیت مینا میتواند حمله کند! میگوید او خبرنگاران آلمانی را به ایران فرستاده که با سجاد و هوتن درمورد

صفحه ۱۰

اصغر کریمی جمهوری اسلامی در برنامه هشت و سی شبکه خبر خود در روز ۲۴ آبان که به مساله سکینه اختصاص داده بود، مینا احدی را نیز آماج حمله خود قرار داد. میگویم آماج حمله

کمونیسم از نوع مینا احدی!

مصطفی صابر

روشنفکران و دانشگاهیان و احزابی که تا يك دهه قبلتر خودشان را کمونیست میدانستند تغییر نام میدادند. چنان فضای سنگینی علیه هر نوع عدالتخواهی بود که اگر در محفلی

صفحه ۶

حدود دو دهه پیش، در اوج فروپاشی شوروی، روزنامه ها و میدیا و سخنگویان رسمی در همه دنیا در شیپور "کمونیسم مرد" میدمیدند. طوری که حتی در همین اروپا خیلی از

به یاد انقلاب اکتبر

متن تنظیم شده سخنرانی محسن ابراهیمی در مراسم سالگرد انقلاب اکتبر در تورونتو که در ۱۳ نوامبر برگزار شد، صفحه ۱۲

سکینه آشتیانی، از کمیسیون جایگاه زن

تا نهاد زن

احمد فاطمی، صفحه ۸

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را

گسترش دهیم!

متن تنظیم شده مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حسن صالحی کیان آذر: حسن صالحی اجازه اظهارات اخیر جنتی در نماز جمعه بدهید که این مصاحبه را با

صفحه ۷

پلاتفرمی همه جانبه برای ۸ مارس

شهلا دانشفر، صفحه ۶

بازتاب هفته

طنین ندای انقلاب

یاشار سهندی

نابغه های جنایت و وقاحت

غلام اکبری

صدور اسلحه و جنگ مذهبی به نیجر به توسط

حکومت اسلامی

بهروز مهر آبادی

جنگ مجلس و احمدی نژاد بر سر بانک مرکزی

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

صفحات دیگر

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۷ و ۴

با تمام قوا به استقبال ۱۶ آذر برویم! صفحه ۱۰

پنج وکیل در هفته گذشته در ایران دستگیر شدند

شو تلویزیون جمهوری اسلامی علیه سکینه و ...

معامله سیاسی دولت آلمان با رژیم ایران ...

صفحه ۸

نباید بگذاریم شهلا جاهد را بکشند

صفحه ۱۱

مینا احدی در گفتگو با تلویزیون ۰۰۰ از صفحه ۱

احدی را با تصویر پخش کرد و تأکید داشت که سرخ تمام این جریانات دست مینا احدی است. در همین رابطه گفتگویی داریم با مینا احدی. مینا احدی با سلام به شما و ممنون که در این برنامه شرکت کردید.

مینا احدی: خیلی ممنون از فرصتی که در اختیار من می گذارید و سلام عرض می کنم خدمت شما و بینندگان محترمان.

کاظم نیکخواه: می دانم که سرتان خیلی شلوغ است و مصاحبه های متعددی امروز با تلویزیون های مختلف داشته اید. اولین سؤال این است که جمهوری اسلامی از پخش این برنامه و تبلیغاتی که کرد و تأییدی که روی حرف های شما داشت، بنظر شما چه هدفی را دنبال می کند؟

مینا احدی: این برنامه نشان می دهد که جمهوری اسلامی شدت تحت فشار افکار عمومی قرار دارد. کمپین و کارزار جهانی علیه سنگسار سکینه یکی از بیسابقه ترین کمپین هایی است که در تاریخ بیست سی سال اخیر صورت گرفته است. نه فقط در ایران بلکه در سطحی بین المللی، توجهات خیلی زیادی جلب شد به یک موضوع نقض حقوق بشر در ایران یا در کشورهای اسلام زده و آن هم مسئله سنگسار بود. این بی سابقه است که بیش از دو میلیون نفر در این مورد طومار اعتراضی امضا کردند. در صدها شهر جهان تظاهرات برپا شد و میلیون ها نفر عکس سکینه را دیدند. در رسانه های مختلف راجع به او بحث کردند و در خیلی جاها عکسش را بر سردر شهرداریها آویزان کردند. بسیاری در جریان این موضوع قرار گرفتند و عکس العمل نشان دادند. از جانب دیگر، اتفاقی که افتاد، بنظر من این بود که دولت ها زیر فشار همین توجه افکار عمومی دنیا مجبور شدند در مورد مسئله نقض حقوق انسانی در ایران یا جمهوری اسلامی حرف بزنند و اعتراض کنند. سرشاخ بشوند و درگیری شان با این حکومت فقط بر سر مسئله سلاح های اتمی و غیره نباشد. الان داریم می بینیم که دولتها بر سر مسائل خیلی مهم تری که ما مطرح کرده ایم و مدتها در موردشان بحث کرده ایم، صحبت می کنند. بنظر من، این برنامه تلویزیونی "صدا و سیمای حکومت" و اینکه جمهوری اسلامی در آن پنج نفر را به اعتراف واداشت، مسئله تازه ای نیست. حکومت

اسلامی سی سال است مشغول همین کارهای نفرت آور است. آدم ها را می دزد. اسیر می کند. گروگان می گیرد و در زندان های مخفی وزارت اطلاعات هر بلایی بر سرشان می آورد و بعد وادارشان می کند که بیایند در تلویزیون و علیه خودشان، عقایدشان و فعالیت هاشان صحبت کنند. این مسئله جدیدی نبود. نکته مهم تر این است که جمهوری اسلامی به این طریق خواست از خودش دفاع کند و در عین حال، نفس همینکه در تلویزیونش به من و فعالیت های کمپین ما اشاره کرد، بنظر من، آتشی بر بنیان جمهوری اسلامی بود. در آن برنامه، هر جا که صحبت های من را پخش کرد، داشتم حرف دل مردم را میزد. میگفتم این حکومت، حکومت سنگسار و اعدام است. این حکومت باید برود و ما بر علیهش مبارزه می کنیم. از قوانین ضد زن اسلامی صحبت میکردم. باید به اطلاع شما برسانم که بعد از پخش این برنامه تلویزیونی، تعداد زیادی از ایران با ما تماس گرفتند و تبریک گفتند. مطمئنا نفس همین برنامه سیمای خیلی زیادی به فعالیت ما جلب کرده است. هر کسی علیه جمهوری اسلامی باشد و ببیند یک نیرویی با این همه قدرت و عظمت بر علیه جمهوری اسلامی نیرو بسیج میکند، نسبت به مبارزه ما احساس سیمای می کند.

کاظم نیکخواه: در همین برنامه، تلویزیون جمهوری اسلامی بارها با پخش صدا و تصویر شما تأکید کرد که سرخ تمام این قضایا دست شماست و اینکه مینا احدی کمونیست است و تظاهرات هایی که شده است، در محلات کمونیست نشین آلمان! صورت گرفته که رسانه ها آنرا بزرگنمایی کرده اند. چرا تلویزیون جمهوری اسلامی اینقدر روی کمونیسم و کمونیست بودن شما تأکید داشت؟

مینا احدی: جمهوری اسلامی گمان می کند با گفتن این مسئله، فضایی منفی بر علیه من ایجاد می کند. ظاهرا تنها "ایرادی" که توانسته از من پیدا کند، این است که بگوید مینا احدی کمونیست است! حال آنکه از نظر من، خیلی خوب است که جمهوری اسلامی این را می گوید و ما خودمان در سطح بین المللی هرروز داریم بر سر این مسئله صحبت می کنیم و می گویم کمونیسمی که ما از آن دفاع می کنیم، کمونیسمی است که از روز اول

بقدرت رسیدن این حکومت، بر علیه تمام جنایات آن ایستاده است. علیه تحمیل حجاب به زنان، علیه اعدام و سنگسار، علیه نقض وحشیانه حقوق بشر، دست و پا بریدن و چشم درآوردن و غیره و غیره. طرح این مسئله که من کمونیست هستم و جمهوری اسلامی فکر می کند نقطه منفی است، اتفاقا یک نقطه مثبت است برای اینکه نشان می دهد کمونیست ها هستند که علیه تمام مصائب در ایران دارند مبارزه می کنند. ما از یک کمونیسم انسانگرا، اجتماعی و محبوب دفاع می کنیم و جمهوری اسلامی با گفتن اینکه مینا احدی کمونیست است، بنظر من، یکبار دیگر محبوبیت و سمیاتی بیشتری را برای ما در ایران دامن می زند.

کاظم نیکخواه: مینا احدی، در این برنامه تصویری از هوتن کیان، وکیل سکینه محمدی آشتیانی و فرزندش سجاد پخش شد و همینطور خبرنگاران آلمانی و صحبت های اینها که ناراضیاتی خودشان را از شما ابراز می کردند و غیره. در این رابطه چه می گوید؟

مینا احدی: الان دیگر همه می دانند، نود و نه درصد مردم ایران می دانند که اینها تحت فشار این کار را کرده اند. این نوع برنامه ها و تصاویر برای مردم ایران ناآشنا نیست. حکومت اسلامی، حکومتی است که بعد از حرکت میلیونی مردم در یکسال قبل، کسی را که مرخص بود به زندان برد. به او قول داد که اگر بیاید و بگوید این کار و آن کار را کرده است، آزادش می کنند و بعد از اینکه او را پای تلویزیون آورد، اعدامش کرد! برای مردمی که در ایران این برنامه را نگاه کردند، اظهار من الشمس است که این افراد تحت فشار مجبور شده اند علیه خودشان حرف بزنند. در همین برنامه تلویزیونی، سجاد واقعا علیه کسی حرف نزد. فقط گفت اگر ارتباطی نمی گرفتیم، پرونده روال طبیعی خودش را طی می کرد.

ولی برای جمهوری اسلامی مهم است که اینها را بکشاند پای تلویزیون و بخواهد از این طریق باصطلاح قدرقترتی خودش را نشان بدهد. و بخصوص با کشاندن ژورنالیست های آلمانی به این باصطلاح اعترافات. من می گویم اینها را گرفتند. یکماه است کتک زده اند و در سلول افرادی گذاشته اند و ما باخبر بودیم. مدام حرف هایشان را با هم مقایسه کرده اند و علیه همدیگر وادار به صحبتشان کرده اند که موفق نشده اند. هوتن کیان در

این برنامه تلویزیونی علیه هیچ کس حرف نزد و فقط خودش را معرفی کرد. دو خبرنگار آلمانی را یکماه است در زندان نگاه داشته اند و اجازه نمی دهند این خبرنگار با فرزند ۸ ساله اش تلفنی حرف بزند. در کجای دنیا این رفتار را با زندانیان می کنند؟! برای خود آلمانی ها و برای اطرافیان اینها خیلی عجیب است که اصلا اجازه ندارند تلفنی با آنها حرف بزنند. هر کدام اینها در سلول افرادی گذاشته شده اند و هیچ ارتباطی با دنیای خارج ندارند. تحت فشار روحی و شکنجه قرار گرفته اند و آخرش هم به آنها پیشنهاد می دهند بیایند و در تلویزیون فلان حرف ها را بگویند تا آزادشان کنند و بعد از اینکه می آید، می گویند خودش اعتراف کرد که جاسوس است! بنظر من، کاری که ما کردیم علیه جمهوری اسلامی که اینقدر هم از آن ناراضی و عصبانی است، این بوده است که همه این وقایع در مقابل چشم میلیون ها نفر اتفاق افتادند. بگذارید دنیا ببیند که در ایران چه حکومتی سر کار است و بگذارید دنیا ببیند که چه سیستم قضایی در ایران کار می کند. اینها واقعا یک عده جانی و وحشی اند که هر تصمیمی راجع به جان آدمها، زندگی و حرمتشان می گیرند و اگر اسیرشان باشی، هر بلایی به سرت می آورند. ما باعث شدیم مردم دنیا این را ببینند.

کاظم نیکخواه: مینا احدی متأسفانه فرصت کمی داریم. می خواستم پرسیم خود کمپین و کارزار نجات سکینه به کجا رسیده است و چه دستاوردهایی از نظر شما داشته است؟ اگر بتوانید بطور

خلاصه توضیح دهید.

مینا احدی: سکینه همچنان در خطر است. قبلا مسئله سنگسار او بود و با عقب نشینی فوری جمهوری اسلامی، گفتند بحث سنگسار نیست و اعدام است. الان مبارزه ما برای نجات سکینه از زیر حکم اعدام جمهوری اسلامی ادامه دارد. این کمپین کلا دستاوردهای بسیار زیادی داشته است. این کمپین یکبار دیگر تصویر ایران را در دنیا عوض کرد. مردمی را نشان داد که دارند علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کنند. دولت ها را وادار کرد در مورد نقض وحشیانه حقوق انسانی علیه جمهوری اسلامی موضع بگیرند و میلیون ها نفر در جهان علیه سنگسار و اعدام بلند شدند. من از طریق همین تلویزیون به جمهوری اسلامی می گویم که ما یک نقطه پایانی گذاشته ایم به سنگسار در ایران. دیگر هیچ آخوند و هیچ جنایتکار و پاسداری جرأت نخواهد کرد زنان را سنگسار بکنند. در عین حال، ما سمیاتی مردم دنیا را بطرف مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی جلب کرده ایم. این کمپین دستاوردهای خیلی زیادی داشته است. جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشته و ما هم به مبارزات خودمان ادامه خواهیم داد. امیدوارم بتوانیم سکینه را آزاد کنیم. امیدوارم روزی برسد که واقعا حکومت اسلامی را با همبستگی و دفاع مردم دنیا از مبارزاتمان سرنگون کنیم.

کاظم نیکخواه: خیلی متشکرم که در این گفتگو شرکت کردید.

۷ کتاب از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران

برای تهیه این کتابها میتوانید به دبیرخانه تشکیلات خارج کشور حزب و یا واحدهای حزب در کشورهای مختلف مراجعه کنید

تاریخ شکست نوردگان

منصور حکمت

این حزب شما است

منصور حکمت

حکومت مذهبی نمی خواهیم

منصور حکمت، احمد نقوی و اسرار کریمی

خطوط اصلی یک نقد سوسیالیستی به تجربه انقلاب کارگری در شوروی

منصور حکمت

Islam and De-Islamisation

Mansoor Hekmat

محاكمه مرتضوی پیش در آمد ...

از صفحه ۱

رسانه های جمهوری اسلامی یکی از آنها دادستان سابق تهران سعید مرتضوی است. او ادامه داد "بعد از آنکه این سه قاضی تعلیق شدند پرونده آنها برای رسیدگی و تحقیقات مقدماتی به دادسرای کارکنان دولت ارسال شد". یعنی سعید مرتضوی که بعد از جنایات کهریزک بعنوان معاون دادستان کل کشور و "رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز" ارتقا یافته بود، اکنون که دیگر ظاهرا انقلابی هم در کار نیست، قرار است به همراه دو قاضی دیگر توسط خود حکومت محاکمه شود. و ما امروز در این نشریه اعلام میکنیم که محاکمه سعید مرتضوی پیش در آمد محاکمه خامنه ای نه در دادگاه جمهوری اسامی بلکه در دادگاه علنی مردمی است. این را هم انقلاب ما مردم تضمین خواهد کرد.

براستی چرا اکنون که میگویند "فتنه" تمام شد مساله کهریزک تمام نمیشود؟ چرا نمیتوانند این پرونده را سر به نیست کنند؟ چرا نمیتوانند حداقل مهره های اصلی و برجسته شان نظیر سعید مرتضوی را نجات دهند؟ هرکس که تلاش کند به این سوال بطور جدی و عمیق پاسخ دهد به پاسخ دیگری جز این نمیرسد که این قدرت انقلاب مردم است که این حکومت را به این روز انداخته است. بگذار حکومتی ها بگویند "فتنه" تمام

پیام مینا احدی ...

تهدید و ارباب خوابیده است. این سناریو نه کسی را فریب میدهد و نه کسی را مرعوب میکند.

حول نجات سکینه و علییه مجازات سنگسار جنبش عظیمی در سطح جهان شکل گرفته است که من افتخار میکنم سازمان دهند این جنبش بوده ام. عروج قدرتمندانه این جنبش و پیوستن میلیون ها انسان در پنج قاره زمین به آن، حکومت سنگسار اسلامی را به درماندگی و به تلاش های عبث کشانده است.

جمهوری اسلامی در این نمایش چندش آور تلویزیونی تلاش کرد که مرا نیز آماج حملات خود قرار دهد. این نخستین بار نیست که زیر تیغ حملات جمهوری اسلامی قرار میگیرم. جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن، سه دهه است که حکم تیرباران مرا صادر کرده است. جرم من این است که برای آزادی و رهائی مردم از یک

میکنند و او را در دادگاه کذایی شان تیره کنند و بگویند او خبیر نداشته است و امثال اینها. از این تقلاها بازم خواهند کرد. به همین دلیل که مرتضوی برایشان مهم است. اما هرچه هست حکومت باید بداند که برای نجات او دیگر دیر شده است. و کاری نمیشود کرد. هرچه بیشتر برای نجات او تلاش کنند پرونده کهریزک سریعتر به محاکمه دیگر عاملین و آمرین جنایات وحشیانه کهریزک و شخص خامنه ای عبور خواهد کرد.

آنچه اینجا با اشاره به همه اینها میخواهم مجددا تاکید کنم اینست که این پرونده تا سرنگونی حکومت ادامه خواهد یافت. و در قدم اول شخص خامنه ای باید به جرم جنایت کهریزک بطور علنی محاکمه شود. این را هم قدرت انقلاب مردم به کرسی خواهد نشاند. کهریزک سمبل کل جنایات حکومت توحش اسلامی سرمایه داران است. کهریزک شاکیان خصوصی بسیاری دارد. همین که قتل سه نفر از بازداشت شدگان زیر شکنجه را حکومت بناچار اعتراف کرده است خود تحمیل یک عقب نشینی بزرگ به حکومت است. اینکه خانواده های این سه تن جانبازان علیرغم اینکه بدرجات مختلف به جنبش اسلامی حاکم مربوط بوده اند، وقتی حکم قصاص دوتن از شکنجه گران کهریزک داده شد، حاضر به دست زدن به ذلت قصاص اسلامی نشدند هم قابل ارج است و هم گویای گستردگی نفوذ

از صفحه ۱

حکومت عقب مانده مذهبی مبارزه میکنم. اتهام من این است که برای حقوق آزاد و برابر زنان تلاش میکنم. من متهم هستم که نمیکارم جمهوری اسلامی با خیال آسوده جنایت کند. من آماج حملات آنها قرار دارم چرا که میخواهم قانون سنگسار و اعدام را ملغی کنم. من به نمایندگی از خانواده های دهها هزار اعدامی، به نمایندگی از خانواده هائی که نوجوانان پانزده شانزده شان به جوخه اعدام سپرده شده اند و به نمایندگی از میلیون ها زن بیحقوق و بی حرمت شده، پر حرارت ترین و آشتی ناپذیرترین شاکی جمهوری اسلامی در تمام مجامع عمومی جهان هستم.

من به نمایندگی از مردم سراسر دنیا اعلام میکنم که سنگسار و اعدام در ایران و در تمام دنیا باید فوراً ملغی شود. این خواست قلبی اکثریت عظیم انسانهای روی کره زمین است. هیچ

خصلت انسانی و مدرن انقلاب امروز مردم است که امروز نادیده گرفتن آن برای هیچکس ساده نیست. و اینکه این این خانواده ها بر محاکمه مرتضوی و شمار دیگری از دست اندرکاران حکومت تاکید کردند هم دقیقاً بیانگر حضور غیر قابل انکار قدرت انقلاب و نیروی سرنگونی طلبی مردم است. ما مردم باید قدرت خویش را در دست و پاژدها و تقلاها و طرحها و پروژه های مختلف حکومت بینیم و با اعتماد به نفس برای گسترش و تعمیق انقلابمان تلاش کنیم. اگر حاکمین نمیتوانند یک تا یک روز را بدون ترس از "فتنه دوم" و شورش مردم و امثال اینها سر کنند، آنکس که زنده بودن این جنبش عظیم را انکار میکند، قطعاً باید ریگی در کفش داشته باشد. و دارد. وقتی پرونده کهریزک همچنان بالای سر حکومت قرار گرفته است، وقتی حاکمین اسلامی دارند به مدارس گله آخوند گسیل میکنند، دانشگاهها را میخوانند دخترانه پسرانه کنند، "طرح محله محور" میدهند و میخوانند کوچه ها را قرق کنند، و با هزار طرح و تقلا دیگری در واقع دارند فضای ضد شورش را فراهم میکنند، و در عین حال یکدیگر را گاز میگیرند و از فتنه و شورش سخن میگویند، و حتی ناچار میشوند تصویر و فیلم سخنرانی یک کمونیست شناخته شده مینا احدی را که دارد علیه شان و علیه قوانین اسلامی شان سخن میگوید با ذلت پخش کنند، آیا هنوز هم مشکل است

دولت، نهاد و دسته ای در هیچ جای دنیا حق ندارد کسی را به سنگسار یا اعدام محکوم کند و جنبش نجات سکینه محمدی آشتیانی به وضوح این پیام را به دنیا داد. اگر این جنبش نبود نه تنها سکینه که دهها زن دیگر اکنون زیر انبوه سنگ مدفون شده بودند. این جنبش اجازه نمیدهد سنگی را بسوی زنی یا مردی پرتاب کنند. تلاش ها و مبارزات ما تا کنون نگذاشته است کابوس هولناک فرزندان سکینه متحقق شود.

خطاب به سران جمهوری اسلامی با صدای بلند اعلام میکنم جنبش جهانی عظیمی که در سطح جهان علیه شما جنایتکاران به راه افتاده، هر اقدامات را به بی آبرویی بیشتر حکومت شما و قوانین سرپا جنایتکارانه تان تبدیل میکند. ما تضمین میکنم که این جنبش انسانی، زنان و مردم ستمدیده ایران را تا سرنگونی حکومت ننگین شما همراهی خواهد کرد.

این را دید که انقلاب فی الحال بر فراز سر این جانوران قرار گرفته است و دارد چه و راستشان میکند؟ بهررو خیزش انقلابی سال گذشته دو سبب مثبت و منفی را پیش کشید و جلوی چشم گذاشت که گویای حقایق بسیاری هستند. ندا به سمبل تمام جانبازان انقلاب تبدیل شد و از جانب همه مردم ایران و مردم جهان عزیز داشته میشود. و کهریزک به سمبل شکنجه گاهها و زندانهای سیاسی و جنایات حکومت مبدل گردید. جمهوری اسلامی تلاش کرد و خیال میکند توانسته است پرونده جنایت و تجاوز و شکنجه در حق صدها تن از عزیزان دیگر مردم را که طی دوره خیزش مردم در کهریزک و شکنجه گاههای دیگر کشتار شدند به زیر فرش براند و تمام جنایتش را به سه نفر از جانبازان محبوس کند. اما این یک خیال خام است. تک تک فرزندان جانبازان مردم چه در این دوره و چه در کل این سی ساله گرامی و عزیز و ارزشمند و بهیچ وجه فراموش نشده اند و نخواهند شد. سران جمهوری اسلامی و در راس آنها خامنه ای منحوس باید مستقیماً و در دادگاهی علنی پاسخگوی جنایات غیر قابل وصف خود باشند. حتما بازم توطئه ها و جنایات بیشتری خواهند کرد. اما شیخ انقلاب گام به گام این هدف را عملی خواهد کرد.*

بشریت برخوردار داشت. همه شما مردم شریف دنیا، سازمان ها و نهادهای مدافع حقوق انسان در سراسر دنیا را فرا میخوانم که با تمام قوا به تلاش و مبارزه خود برای نجات سکینه و آزادی فوری و بدون قید و شرط سجاد فرزند سکینه، هوتن کیان وکیل سکینه و دو خبرنگار آلمانی و برای پایان دادن به بساط سنگسار و اعدام و شکنجه و برای پایان دادن به حکومت ننگین اسلامی ادامه دهید.

مینا احدی، سخنگوی کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار
۱۶ نوامبر ۲۰۱۰

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

کلمه مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

بازتاب هفته

طنین ندای انقلاب

یاشار سهندی

پنج شنبه گذشته این تیتیر خبری در سایتهای حکومت آینده منتشر شد: "لیلا اوتادی در نقش ندا آقا سلطان در فیلم شفقردی و کلاهرداری". نام این فیلم را "پایان نامه" گذاشته اند. کارگردان فیلم حامد کلاهرداری مدعی شده بود "پایان نامه صریح ترین فیلم سیاسی ایران با موضوع حوادث بعد از انتخابات است که دستاوردهای خوبی هم برای مردم و هم برای نظام جمهوری اسلامی دارد." در عرض بیست چهار ساعت این فیلم دستاورد خوبی برای مردم داشت اما برای جمهوری اسلامی جز نشان دادن نفرت مردم نسبت به این حکومت دستاوردی نداشت. به محض انتشار خبر اعتراضات شدید شروع گردید و در فیس بک صفحه مخصوص اعتراض به این عمل جمهوری اسلامی به راه افتاد نوک حمله اعتراضات به طرف لیلا اوتادی، هنرنیسه ای که قرار بوده نقش ندا آقا سلطان را بازی کند بود. اعتراضات چنان بالا گرفت که همگی به کل منکر شخصیت ندا آقا سلطان در این فیلم شدند. خبرگزاری فارس اعلام کرد "اشتباه شده کسی در نقش ندا بازی نمی کند" لیلا اوتادی خود اعلام کرد: "امروز (جمعه) به توصیه دوستانم که زودتر مطلع شدند، با پای شکسته (که چند وقتی است دچار آن شده‌ام) پای کامپیوتر و دنیای مجازی نشستم و با مرور اخبار اینترنت، خبری را که در آن نوشته شده "قرار است در نقش ندا آقاسلطان بازی کنم" خواندم. دلم می خواهد بدانم چه کسی این دشمنی را روا داشته تا با طرح اینگونه خبر، مردم را نسبت به من هیستریک و عصبی نماید" کارگردان (کلاهرداری) از سر ترس و عصبانیت خندید و گفت "بابا موضوع اصلا این حرفها نیست یک فیلم پلیسی اجتماعی که در فضایی بعد از انتخابات سال ۸۸ میگردد" ایشان انتظار داشت که اعتراضات تمام شود. اما اعتراضات ادامه یافته و در روز یکشنبه منجر به این شد که یکی دیگر از بازیگران این فیلم (امیر آقایی) به بهانه تغییر فیلم نامه کناره گیری کند و از سوی مردم معترض به شدت تشویق شود.

این اعتراضات نه در خیابانها که در "دنیای مجازی" اتفاق افتاد؛ و این

کرد که حتی دولتمردان اروپایی و امریکایی را هم وادار کرد که بگویند ما هم هستیم. و در داخل اعتراضات هر روزه کارگران و اعتصاب کردستان در محکوم کردن اعدام فرزند و یارانش، مقاومت مردم در مقابل قوانین مرتجعانه اسلامی مبارزه بی امان زنان در عرصه حجاب و ... نشان از این داشت که انقلاب جریان دارد. اعتراض به ساخت فیلم "پایان نامه" یک بار دیگر این را تاکید کرد که مبارزه ما مردم در همه عرصه ها جریان دارد و انقلاب ایران می رود که ندای عظمت طلبی انسان را جهانی سازد و پایانی باشد بر هر چه ستمگری است.*

نابغه های جنایت و وقاحت



غلام اکبری

"ما با موسیقی مخالف نیستیم... کنسرت ها و نشست های موسیقی در ایران برگزار می شود. ایران، هنر را تشویق می کند... پلیس کتک می خورد تا مردم اذیت نشوند... هیچ کس به ضرب گلوله پلیس، کشته نشد... دختران نمیتوانند هر آنچه میخواهند بپوشند" اینها بخشی از صحبت های احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با خبرنگار روزنامه الشرق، قطر است. احمدی مقدم با اشاره به حوادث پس از انتخابات اظهار داشت: واکنش پلیس در برابر مخالفین در خیابان های تهران، مناسب و صحیح بود و هیچ اقدام خلاف قانونی از سوی ماموران پلیس رخ نداد. آنها از سلاح گرم استفاده نکردند و هیچ کس به ضرب گلوله پلیس، کشته نشد. واقعا اینها وقاحتشان هم هم ارز جنایاتشان است. اگر دروغگویی باعث خنات میشد، سرکردگان رژیم اسلامی تا حالا باید هفت تا کفن پوساند بودند. با تشکر از اینترنت (تویتر، یوتیوب و...) دنیا شاهد وحشیگری نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی با مردم به تنگ آمده از حکومت اسلامی بود. حالا این سردار اسلام خودش را به حماقت میزند و فکر میکند با حماقت او همه شاهدین جنایات حکومت نیز شعورشان را از دست میدهند. "هیچ کس به گلوله پلیس کشته نشده". اقتدر با اعتماد به نفس دروغ میگویند که آدم باور کند

تعرضی دیگر به کارگران نیشکر هفت تپه

بهرروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی و بهروز ملازاده سه عضو سندیکای نیشکر هفت تپه به شش ماه زندان محکوم شدند

روز چهارشنبه ۲۶ آبان دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی در اهواز بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی و بهروز ملازاده سه عضو سندیکای نیشکر هفت تپه را با اتهام توهین به رهبری به شش ماه زندان محکوم کرد. این درحالیست که رضا رخشان به دنبال نوشتن مطلبی در گرامیداشت دومین سالگرد ایجاد سندیکای نیشکر هفت تپه، زیر فشار و تهدید قرار گرفته و دادگاه تجدید نظر اهواز که قبلا حکم تبرئه وی را صادر کرده بود، به وی اعلام کرده است که اعلام داشته است که در حکم خود تجدید نظر خواهد کرد و او باید در انتظار صدور حکم دو سال زندان باشد. در راستای همین فشارها نیز ۶ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و از چهره های محبوب در میان کارگران این کارخانه علی نجاتی، رضا رخشان، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری که بارها زندان و بازداشت شده اند، از کار اخراج گردیدند. همچنین اخیرا دو نفر از کارگران شرکت واحد، همایون جابری و غلامرضا

روز چهارشنبه ۲۶ آبان دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی در اهواز بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی و بهروز ملازاده سه عضو سندیکای نیشکر هفت تپه را با اتهام توهین به رهبری به شش ماه زندان محکوم کرد. این درحالیست که رضا رخشان به دنبال نوشتن مطلبی در گرامیداشت دومین سالگرد ایجاد سندیکای نیشکر هفت تپه، زیر فشار و تهدید قرار گرفته و دادگاه تجدید نظر اهواز که قبلا حکم تبرئه وی را صادر کرده بود، به وی اعلام کرده است که اعلام داشته است که در حکم خود تجدید نظر خواهد کرد و او باید در انتظار صدور حکم دو سال زندان باشد. در راستای همین فشارها نیز ۶ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و از چهره های محبوب در میان کارگران این کارخانه علی نجاتی، رضا رخشان، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری که بارها زندان و بازداشت شده اند، از کار اخراج گردیدند. همچنین اخیرا دو نفر از کارگران شرکت واحد، همایون جابری و غلامرضا

نداشته باشد" این جناب ناچار است با سبیلی صورت خود و حکومتش را سرخ نگه دارد. آنجا که کتک خورده اند از متانتشان بوده است نه از نیروی عظیم و مردم که با دست خالی در برابر لشکر مزدوران تا دندان مسلح ایستادند و خیلی جاها آنها را کتک زدند و روانه بیمارستانشان کردند. لباس های مدرن و امروزی دختران و پسران هم بر اساس "قوانین شرع" و حتما به دلیل دستور شرع انتخاب میشود! بهرروز این دروغهای شاخدار خیلی هم بی دلیل نیست. بالاخره باید یک جوری مقاومت زن و مرد و پیرو جوان این مملکت در برابر حکومتشان را توجیه شرعی کنند. وگرنه خود این حضرات هم میدانند که مردم از پیر و جوان، زن و مرد خلاصه همه مردم ایران هیچ تره ای برای "ضوابط شرع اسلامی" خورد نکرده و نمیکند. اگر حکومت اسلامی هنوز سرکار است بخاطر اعدام، شکنجه زندان و مزدوران چاقو کش و تجاوزگری مثل احمدی مقدم است. اراذل اوباشی هم که با نوکری جمهوری اسلامی برایش وقت میخرند انگیزه شان اسلام نیست، اسکناس است.*

بازتاب هفته

جنگ مجلس و احمدی نژاد بر سر بانک مرکزی



محمد شکوهی

اوایل هفته گذشته مجلس اسلامی به پیشنهاد باهنر از فراکسیون "اصولگرایان" بالاخره موفق شد طرح "استقلال بانک مرکزی" از دولت را به تصویب برساند. براساس این مصوبه احمدی نژاد از ریاست بانک مرکزی و از عضویت در مجمع عمومی کنار گذاشته شد. و اختیارات تعیین نمایندگان مجمع عمومی بانزنگری می شود. در مصوبه اخیر مجلس افزایش تعداد اعضای مجمع عمومی بانک مرکزی به ۱۱ نفر نیز تصویب شده است. براساس این مصوبه احمدی نژاد دیگر اختیار تعیین نصف اعضای مجمع عمومی بانک مرکزی را از دست می دهد. و نه تنها عضو و رئیس این

مجمع نیست، بلکه اختیار تعیین رئیس بانک مرکزی از وی گرفته می شود. کل این ماجراها در جریان بررسی برنامه پنجم دولت که در مجلس جریان داشت صورت گرفت. در در واکنش به این تصمیم مجلس تعداد ۵۰ نماینده هوادار احمدی نژاد در مجلس با جمع آوری امضا خواهان پس گرفتن این مصوبه شدند، که موفق نشدند. در پس این مصوبه جنجالی مجلس آشکارا دعوای باندهای حکومتی و به صحنه آمدن "ناراضیان از دولت احمدی نژاد" بویژه لاریجانی رئیس مجلس و اصولگرایان مخالف احمدی نژاد قرار دارد که خواستند بدین وسیله به دولت و احمدی نژاد نشان بدهند که برخلاف اظهارات احمدی نژاد، مبنی بر این که مجلس در راس امور نیست، نشان بدهند که مجلس نه تنها در راس امور است، بلکه در راس دولت هم هست و می تواند دولت را به زمین بازی که مجلس تعیین می کند، بکشاند. با این اقدام ختلافات و کشمکش های مجلس و دولت وارد

مرحله جدیدی شده است. در این میان هواداران این مصوبه از "پیروزی مجلس" سخن گفته و مخالفان در تدارک اقدامات دیگر هستند. سنتا بانک مرکزی در اختیار دولت و احمدی نژاد بوده و یکی از فاکتورهای مهم و تعیین کننده در برداشت پول برای مقاصد شخصی یا پمپاژ کردن پول و اعتبار به طرح ها و برنامه های دولت بوده است. همه مصوبات دولت و ارگانهای مهم دولتی و هزینه ها و اعتبارات اختصاص داده شده به این طرح ها در مجمع عمومی بانک مرکزی که طرفداران دولت اکثریت را داشتند، به تصویب سیده اند. حال با تصویب مصوبه جدید دامنه اختیارات و قدرت احمدی نژاد بسیار محدود شده و دولت دیگر نمی تواند بدون "اجازه" مجلس برداشت پول و تامین اعتبارات لازم را برای هزینه های جاریش را مثل سابق ادامه بدهد. در پاسخ به این مصوبه هواداران احمدی نژاد و مخالفان این طرح خواهان ارسال مصوبه مجلس به شورای نگهبان و سایر مراجع "دیصلاح"، برای بررسی های بیشتر شده اند. کشاکش در این زمینه بصورت حادی ادامه دارد.

ظاهرا شورای نگهبان و خامنه ای هم به صلاح خود میدانند که در این رابطه سکوت کنند. بدین ترتیب عرصه دیگری از اختلاف و کشمکش که میان دولت و مجلس بصورت داغی جریان داشته، فعلا به نفع مجلس و بخش اصولگرایان مخالف احمدی نژاد تمام شده است. این طیف در نظر داشته و دارند که بدین وسیله ضمن عرض اندام در برابر نمایندگان هوادار دولت در مجلس، نشان بدهند که در مجلس هم قدرت بوده و اگر بخواهند می توانند "موانعی" سر راه احمدی نژاد بگذارند. حتی از هم اکنون کشاکش و رقابت برای انتخابات آتی نیز قابل مشاهده است. در لابیهای اظهار نظرهای مختلف در این مورد کارشناسان حکومتی وابسته به باندهای رنگارنگ حکومتی، نشانه هایی حاکی از آغاز تلاش های انتخاباتی دار و دسته های حکومتی برای به جلوی صحنه راندن اصولگرایان مخالف دولت و اعمال فشار بر کاندیداهای آتی ریاست جمهوری حکومت قابل مشاهده است. آنچه باندهای حکومتی در این میان و جست و جویخته در لابیهای تحلیل هایشان مجبور به اعتراف به آن شده

ریخته است.*
اند، در هم ریختگی باز هم بیشتر صفوف حکومت می باشد. کل حاکمیت با تمام ارگانهایش، با تمام دم و دستگاه سرکوب و اعدامش بسختی می تواند پز یک دولت و حکومت، حتی با استانداردهای حکومتی سه دهه گذشته خود این رژیم را به خود بگیرد. این حکومت جمع دزدان، و مافیای ثروت و قدرت و سرکوب است که بشدت با هم در حال رقابت و کشاکش هستند. وضعیتی که الان رژیم در آن گرفتار آمده خود بازتاب و انعکاسی از مبارزات مردم بویژه در سال گذشته بوده که کل حکومت را دچار سردرگمی و بی افقی کرده و امکان حکومت کردن را از آنها گرفته است. بحران حکومتی، اقتصاد در هم ریخته و در آستانه فروپاشی، وجود فضا و جو اعتراض و مبارزات هر روز مردم، ترس و وحشت رژیم از دور جدید "فتنه" و... کل رژیم را به چالش کشانده است. چالشی که خود حکومتیان و احمدی نژاد و خامنه ای هم به خوبی می دانند، به نفع حکومت نبوده و خطر به میدان آمدن دوباره مردم کل معادلات حکومتی را به هر

متمکی توضیح نداد که به چه دلیل سلاح و مواد منفجره تحت عنوان مصالح ساختمانی ارسال شده و نقش دیپلمات جمهوری اسلامی در این "تجارت اسلحه" چه بوده است. و در حالی که در جمهوری اسلامی حتی خرید و فروش ترقه در انحصار دولت است، چگونه ۱۳ کانتینر لوازم و مهمات جنگی بدون دخالت مقامات حکومت و توسط یک شرکت خصوصی از کشور خارج شده است. مقامات شرکت فرانسوی حمل بار هم اظهار داشتند که این محموله به مقصد نیجریه ارسال شده بود و اشتباهی در کار نبوده است. برخلاف ادعای منوچهر متکی گزارشات منتشر شده نشان می دهد که "سوء تفاهم" با دولت نیجریه برطرف نشده است. روز ۲۰ آبان

معروفترین این گروهها تحت رهبری آخوندی به نام محمد یوسف نام "تحصیل حرام" به خود گذاشته است که مخالف تحصیل به روشهای جدید و دشمن آموزش مباحث علمی است. گروههای مسلح مذهبی بویژه در مناطق نفت خیز جنوب به تاسیسات نفتی حمله کرده و در مواردی اتباع خارجی را به گروگان گرفته و برای آزاد کردن آنها باج خواهی کرده اند. بعضی از گروههای اسلامی نیجریه آشکارا از جمهوری اسلامی حمایت می کنند. این کشور در آستانه انتخابات پارلمانی قرار دارد و جمهوری اسلامی می تواند با بسیج کردن نیروهای اسلامی و دامن زدن به تشنجات و جنگهای مذهبی در این کشور جای پای برای خود پیدا کند و از این طریق فشارهای بین المللی را بر خود کم کند. یعنی نقشی را که در لبنان و افغانستان و عراق داشته در نیجریه هم تکرار کند. اما این هدف جمهوری اسلامی در همان مراحل اولیه با اقتضای آشکار شد.

منوچهر متکی در بازگشت از نیجریه اعلام کرد که سوء تفاهم با مقامات نیجریه برطرف شده است. یک شرکت خصوصی اقدام به کار تجاری در فروش سلاح به یک کشور غرب آفریقا کرده بود که مسیر انتقال محموله از طریق نیجریه بوده است. منوچهر

صدور اسلحه و جنگ مذهبی به نیجریه توسط حکومت اسلامی

بهر روز مهر آبادی

روز ۵ آبان دولت نیجریه خبر توقیف یک محموله اسلحه قاچاق در بندر لاگوس را داد. این محموله شامل مقادیر زیادی مواد منفجره، نارنجک، خمپاره، سلاح خودکار و راکت های ۱۰۷ میلیمتری بود که در ۱۳ کانتینر تحت عنوان مواد ساختمانی از بندرعباس به مقصد نیجریه ارسال شده بود. این سلاح ها و مواد منفجره توسط مقامات دولت نیجریه ضبط شد. دو نفر ایرانی که مظنون به قاچاق این تجهیزات نظامی بودند، در سفارت ایران در آنوجا مخفی شدند و دولت نیجریه سفیر جمهوری اسلامی را برای توضیح احضار کرد. پس از افشای این خبر منوچهر متکی وزیر امور خارجه رژیم بلافاصله به نیجریه سفر کرد تا بتواند سر و صدای این قاچاق اسلحه را بخواباند. جمهوری اسلامی موافقت کرد که فقط یکی از مخفی شدگان در سفارت توسط مقامات نیجریه بازجویی شود. نفر دوم از اعضای سفارت و دارای مصونیت دیپلماتیک است. در چند سال اخیر جمهوری اسلامی برای پوشاندن انزوای سیاسی خود در مجامع بین المللی تلاش کرد



مشخصات کانال جدید

کانال جدید، هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰، FEC: ۵/۶، پلاریزاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ هرروزه از ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی (۱۰) و نیم تا ۱۱ و نیم شب به وقت ایران در شبکه KBC

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden



کمونیسم از نوع ...

اسلامی علیه زنان و مردان در ایران بسیج کرده است بعنوان "مینا احدی کمونیست" سخن بگوید، دنیا جا خواهد زد و از کرده خود پشیمان خواهد شد!

زهی خیال باطل! نتیجه درست برعکس است. این کار در مجموع فقط باعث میشود که محبوبیت و نفوذ کمونیسم ما که انسان و انسانیت را به سیاست جهانی آورده است، هم در ایران و هم در سطح بین المللی بالاتر برود. انقلابی که مردم ایران از خرداد ۸۸ شروع کردند، رادیکالیسم و انسانیت را که برآمد میلیونی مردم ایران در سطح جهان دامن زد و اکنون کمونیست هایی چون مینا احدی پرچم آن را شفافتر و بالاتر برمی افرازد، چهره سیاسی ایران و جهان را تغییر میدهد. تبلیغات اخیر جمهوری اسلامی علیه کمونیستها در واقع نشانه دیگری است از اینکه دوره ای که کمونیسم با گورباچف و دیگر اخلاف امثال استالین تعریف میشد، و در تبلیغات جنگ سردی به معادلی برای "اقتصاد کوپینی" و اختناق نوع "کا.گ.ب" تبدیل شده بود، قطعاً گذشته است. اکنون دوباره کمونیسم به نام و پرچم واقعی خود سخن میگوید. دوره حضور توده ای کمونیسم نوع مارکس و منصور حکمت فرا رسیده است. کمونیسمی که با مبارزه علیه اعدام و سنگسار و برای برابری زن و مرد و آزادی بی قید و شرط بیان و رفاه و شادی و در یک کلام با "بازگرداندن اختیار به انسان" تداعی میشود.

این دوره را شاید بتوان از جهاتی با دهه بعد از اکتبر ۱۹۱۷ مقایسه کرد که لنین با شعار صلح در مقابل جنگ خانمانسوز امپریالیستی قد علم کرد و به رهبر محبوب زحمتکش جهان تبدیل شد. طوری که در همین ایران در رشت "جمهوری سوسیالیستی گیلان" برپا شد و از عارف تا ملک الشعراء بهار برای لنین شعر میسرودند و او را قهرمان و ناجی خود میدانستند.*

به آن نمانده است، رفت. اینها همه گامهای مهمی از مبارزه برای آزادی زن است که با برداشتن آنها میتوان ضرباتی کاری بر پیکر این رژیم وارد کرد. مانیفست آزادی زن را وسیعاً تکثیر و همه جا پخش کنیم.*

میگفتید کمونیست هستم با نگاه های سرشار از اضطراب و نگرانی روبرو میشدید. کار به جایی رسیده بود که حتی خمینی که در رأس حکومت اسلام رژیم "صد هزار اعدام" نشسته بود، برای گورباچف نامه مینوشت و از موضع حق به جانب به او نصیحت میکرد و برای کمونیسم فروپاشیده نوع روسی کرکری میخواند و از حقانیت اسلام کثیف سخن میگفت.

حالا دنیا چقدر عوض شده است!.. برای مثال نگاه کنید که همین جمهوری اسلامی حالا چگونه بارها به فغان آمده که یک کمونیست به اسم "میم، الف" دنیا را حول اعتراض به سنگسار سکینه محمدی آشتیانی بر سر جمهوری اسلامی خراب کرده است. بعداً که فشار کمپین جهانی نجات سکینه بازهم بیشتر شد اسم و مشخصات این کمونیست، یعنی مینا احدی از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران را به صراحت گفتند و حتی در برنامه "هشت و سی" برایش از آن شوهای کذایی "اعتراف" تلویزیونی از زبان فرزند و وکیل سکینه و دو خبرنگار اسیر آلمانی ساختند. تصویر و کلام مینا احدی را پخش کردند که با حرارت از حقوق زنان در ایران دفاع میکند. علیه سنگسار و اعدام سخن میگوید. از مبارزات و انقلاب مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی بطور آشتی ناپذیر دفاع میکنند و گفتند طوری کار کرده که گویا از اوایما تا سارکوزی از سلمان رشدی تا "محلات کمونیست نشین آلمان" همه به دنبال او و علیه جمهوری اسلامی روانه شده اند!

در واقع جمهوری اسلامی در مقابل فشار کمپین جهانی سکینه، حمایت بیدریغ مردم جهان از مبارزات مردم ایران و آبروریزی بی سابقه ای که علیه رژیم اسلامی صورت گرفته است، در اوج استیصال و درماندگی، به سلاح کهنه تبلیغات ضد کمونیستی متوسل شده بود. فکر کرده بود که اگر علیه رهبر چنین مبارزه شورانگیز و جهانی که میلیونها نفر را در پنج قاره جهان علیه سنگسار و اعدام و جنایات

را که لغو آن یکی از خواستههای مهم این مانیفست است، به جنبشی سراسری تبدیل کرد. و بالاخره اینکه میتوان با بسیج نیرو حول خواستههای مانیفست آزادی زن به استقبال یک هشت مارس بیحجاب و باشکوه که چند ماهی بیشتر

این رژیم بخاطر همه جنایاتش علیه بشریت است.

در مقابل همه جنایات و همه عقب ماندگی ها و قوانین کپک زده جمهوری اسلامی، ما شاهد یک جنبش قوی برای آزادی زنان هستیم. می بینیم که مردم تسلیم نشده اند و بطور واقعی یک موضوع دایمی اعتراض مردم با رژیم اسلامی، مقابله هر روزه با قوانین ارتجاعی اسلامی و آپارتاید جنسی آن بوده است. به همین اعتبار نیز جنبش آزادی زن جایگاه مهم و ویژه ای در جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی دارد و حضور زنان در صف مقدم این جنبش چشمگیر است.

بدین ترتیب مانیفست آزادی زن، به جنبشی قوی و قدرتمند علیه ستمگری به زنان تکیه دارد، و میتواند تلاش ما اینست که محور تحرکی گسترده برای متحد شدن صفوف این مبارزه باشد. از همین رو ما از همه کسانی که برای رفع تبعیض علیه زن مبارزه میکنند، از همه کسانی که مانیفست آزادی زن را صدای اعتراض خود و خواستههای طرح شده در آن را خواستههای کل جامعه میدانند، میخوایم که از این مانیفست فعالانه حمایت کنند و برای پیشبرد و جذب افرادی هرچه بیشتری به آن تلاش نمایند.

وقتی به خواستههایی که این مانیفست بعنوان خواستههای فوری جنبش آزادی زن بر آنها تاکید میکند نگاه میکنید، می بینید که این مانیفست صدای اعتراض انسانهای آزادیخواه و برابری طلب علیه تبعیض جنسیتی در ایران است. و در همان سرسخ آن اعلام کرده ایم که شرط رهایی جامعه و زن از این همه بیحقوقی و ستم، سرنگونی جمهوری اسلامی است. به این ترتیب مانیفست آزادی زن میکوشد که به یک جنبه مهم اعتراضات مردم در جامعه یعنی مساله ستم کشی زن پاسخ دهد و بطور واقعی بیان فشرده خواستههای فوری جنبش آزادی زن است و به این جنبش پرچم و پلافرم میدهد.

میشود با انواع و اقسام ابتکارات مانیفست آزادی زن را بدست گرفت و حوش مبارزه سازمان داد و متحد شد. میتوان کرد این مانیفست جمع ها و تشکلهای خود را در دفاع از حقوق زن شکل داد و مبارزه برای این خواستهها را محور کار و فعالیت خود قرار داد.

میشود این مانیفست و خواستههایی که در آن طرح شده را بصورت تراکت نوشت و در تمام محلات و در تمام شهرها پخش کرد. به لحاظ عملی نیز میتوان با حجاب برگزین مبارزه علیه حجاب این سمبل بردگی و سمبل جمهوری اسلامی



پلاتفرمی همه جانبه برای ۸ مارس

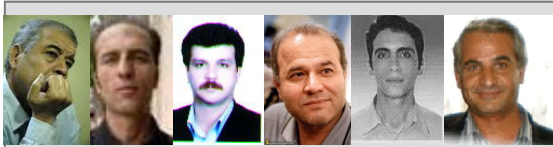
شهلا دانشفر

که حجاب و جداسازی جنسیتی پرچم و هویت آنست و کل قوانین ارتجاعی ضد زن پایه و اساس آنرا تشکیل میدهد. جمهوری اسلامی برای حمله به کل جامعه، ابتدا زنان را زیر تهاجم خود قرار داد و با شعار "یا روسری یا توسری" اوپاش حزب الله را به جان زنان انداخت، بر روی زنان تیغ کشید و اسید پاشید، و بدین ترتیب بساط حکومت آپارتاید جنسی اش را برپا کرد. بساطی که بیش از سی و یکسال است پیاست و جنایت و سرکوب میکند. تحت حاکمیت این رژیم زنان بطور سیستماتیک مورد تحقیر و توهین و تعرض قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی با رواج صیغه این فحشهای رسمی اسلامی و با قوانینی چون تعدد زوجات و غیره زنان را زیر بیشترین تحقیر و اجحاف قرار داده است. در حاکمیت این رژیم زن نفقه بگیر مرد و بنا تحت سرپرستی مرد تعریف میشود و بنا به قوانین تعریف شده اسلامی مرد اجازه دارد زن را مورد اذیت و آزار و تجاوز جنسی و انواع خضوت قرار دهد و وقتی زنی میخواهد خود را از جهنمی که به اسم خانواده برایش بوجود آورده اند، رها کند، هفت خوان رستم را باید بگذراند و با انواع و اقسام توهین و تحقیر روبرو شود، تا سرانجام حق و حقوق خود را بگیرد. در حکومت جمهوری اسلامی موقعیت زن یک بردگی جنسی مطلق است و میتوان زن را تحت عنوان مهریه و شیربها و دیگر قوانین ارتجاعی اسلامی، خرید و فروش کرد. در این حکومت دختر بچه به جرم دختر بودن، از همان کودکی حجاب بر سرش میکشند و مورد بیشترین کودک آزاری قرار میگیرد. از جمله می بینیم که همسر دادن دختران در سنین کودکی توسط پدران و اقوامشان در پناه قوانین این رژیم افزایش یافته است. در یک کلام یک بخش قطور پرونده جنایات جمهوری اسلامی، داستان زندگی زن تحت حاکمیت این رژیم آپارتاید جنسی است. داستان سنگسارها و اعدام ها و سی و یکسال جنایت این حکومت علیه زنان و کل جامعه است. از همین رو تحت حاکمیت این رژیم سخن گفتن از ستم کشی زن و از اینکه زن از اولیه ترین حقوق اجتماعی خود محروم است، هنوز همه ابعاد جنایت علیه زنان و کل جامعه را بیان نمیکند. به همین جهت اولین حکم مانیفست آزادی زن محاکمه سران

مانیفست آزادی زن سال گذشته در ارتباط با هشت مارس منتشر شد. مریم نمازی و مینا احدی و مهین علیپور و من امضا کنندگان اولیه این مانیفست بودیم و بعد با استقبال زیادی روبرو شد. در همان ابتدا بیش از ۱۰۰۰ نفر آنرا را امضا کردند و در سایتهای متعددی منتشر شد. فعالین و شخصیتهای شناخته شده ای از آن حمایت کردند. برای نمونه ریچارد داوکینز چهره سرشناس بین المللی منتقد مذهب با انتشار این مانیفست در سایتش عملاً از این حرکت ما دفاع کرد. ما در این مانیفست جهانیان را به همبستگی با انقلاب مردم و جنبش آزادی زن در ایران، فراخواندیم و در هشت مارس سال گذشته پاسخ خوبی نیز گرفتیم. از جمله در سال گذشته سازمانهای آنتی فاشیست در آلمان، هشت مارس را در همه جای آلمان، روز همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران و روز همبستگی با مبارزات زنان در ایران اعلام کردند و در همین رابطه در سراسر آلمان متینگ، تظاهرات و کنسرتیهای سازمان دادند. همچنین در دانمارک نیز چندین سازمان مدافع حقوق زن، هشت مارس سال گذشته را روز همبستگی با زنان ایران اعلام کردند. مانیفست آزادی زن را ما در کوران خیزش انقلابی مردم در سال گذشته و به مناسبت ۸ مارس روز جهانی مبارزه با تبعیض علیه زن منتشرش کردیم. چون هشت مارس بهترین مناسبت برای چنین کفرخواستی علیه رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی در سطح جهانی بود. ما هنگام انتشار این سند و به مناسبت ۸ مارس جهانیان را به حمایت و ابراز همبستگی با مبارزات حق طلبانه مردم و جنبش زنان در ایران و گرامیداشت یاد ندا آقا سلطان بعنوان سمبل انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی فراخواندیم.

پیوستن به مانیفست آزادی زن کمپینی است که ما سال گذشته اعلامش کردیم. اما این جنبشی است که ادامه دارد و با همین پرچم به استقبال هشت مارس امسال خواهیم رفت.

از نظر من این مانیفست یک سند تاریخی برای جنبش آزادی زن و کفرخواست جامعه علیه رژیم ضد زن جمهوری اسلامی بخاطر سی سال جنایاتش علیه بشریت و تحمیل شنیع ترین بیحقوقی و اهانت و توهین و آپارتاید جنسی علیه زنان است. واقعیت اینست که ما در ایران با یک حکومت تمام عیار آپارتاید جنسی روبرو هستیم



غلامرضا غلامحسینی، همایون جابری، منصور اسانلو، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، ابراهیم مددی



مبارزه برای آزادی زندانیان ... از صفحه ۱

تهران شروع کنیم که گفته بود: "این درست نیست که به زندانیانی که در فتنه علیه نظام اسلامی نقش داشتند و محکوم شده اند، مرخصی بدهند و آنها به اقدامات فتنه انگیزانه خود ادامه دهند". در مورد این حرفها شما چه فکر می کنید؟

حسن صالحی: اول باید اشاره کنم که دادن مرخصی عمدتاً به زندانیانی مربوط می شود که از جناح مغضوب رژیم بوده اند. برای بقیه زندانیان سیاسی مرخصی که نه، حتی بعضی از خانواده های آنها نمی دانند که عزیزانشان کجا زندانی هستند. ولی با اینحال این اظهارات جنتی بطور سمبلیکی قساوت و بی رحمی جمهوری اسلامی را در برخورد به مخالفین سیاسی نشان می دهد. مردم ایران این حرفها را به دقت ثبت می کنند تا در دادگاههای محاکمه این جانیان بعنوان اسنادی که نشان می دهد اینها آمرین و عاملین کشتار و شکنجه مردم معترض و مخالفین سیاسی هستند، مورد استفاده قرار دهند. درست مثل حرفهای خامنه ای که در ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ فرمان قتل و ریختن خون جوانان و مردم معترض را صادر کرد. چنین حرفهایی فقط پرورنده جنایت و کشتار جمهوری اسلامی را قطور خواهد کرد. به این دلیل و همچنین بیش از سه ده جنایت ما در انظار جهانیان خواستار محاکمه و مجازات آدمکشان حاکم بر ایران شدیم.

کیان آذر: با اینکه تعداد مشخص زندانیان سیاسی در ایران معلوم نیست ولی این بطور قطع يك لیست بلند بالا را تشکیل می دهد. همانطور که همه می دانند سال گذشته و در جریان خیزش انقلابی مردم تعدادی زیادی از مردم معترض دستگیر شدند و در سیاهچالهای رژیم مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفتند و عده ای هم زیر شکنجه به قتل رسیدند. اخیراً هم جمهوری اسلامی موج جدیدی از دستگیر فعالین کارگری و اجتماعی در کنار سایر محبوت های دیگر مثل فیلتر کردن سایتهای و غیره را آغاز کرده که البته ما اخبارش را قبلاً از همین تلویزیون به اطلاع رساندیم. هدف رژیم از این حملات چیست؟

حسن صالحی: ببینید همه می دانند که این رژیم بند نافش با سرکوب، دستگیری مخالفین سیاسی، و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی تنیده شده و در طول سالهای سیاه حاکمیتش

زندانیان سیاسی یعنی اینکه ما حق داشته باشیم به خاطر خواستها و مطالبات انسانی خود دست به اعتراض بزنیم بدون آنکه کسی اجازه داشته باشد ما را دستگیر و بازداشت کند. خلاصه به این معنا مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی جزء جدایی ناپذیری از مبارزه برای آزادی است بطوریکه نهایتاً با برقراری يك جامعه آزاد و انسانی اصولاً ما چیزی به اسم زندانی سیاسی نداشته باشیم. اما يك اهمیت فوری تری هم مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در شرایط کنونی دارد که مربوط می شود به درهم شکستن تقلاهای رژیم برای سرکوب اعتراضات و انقلاب مردم. وقتی ما بطور گسترده وارد این مبارزه می شویم داریم به رژیم اعلام می کنیم که قادر نیست با بگیر و بنبد مبارزات آزادیخواهانه ما را متوقف کند. دستگیری و زندان رژیم در صورتیکه ما قوی و متشکل در صحنه باشیم نه فقط برای جمهوری اسلامی بی نتیجه خواهد بود بلکه بکارگیری این سیاست میتواند به عکس خود تبدیل شود.

اما چند موضوع در باره مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به نظر من می رسد که خیلی سریع به آنها اشاره ای می کنم. قبل از هر چیز فراگیر کردن خواست و مطالبه زندانیان سیاسی است که لازم است در هر اعتراضی و گردهمایی مطرح بشود. در همین رابطه جا دارد که عکس همه زندانیان سیاسی شناخته شده را بر در و دیوار شهر چسباند و نوشت که باید همه آنها آزاد شوند. این یعنی یکی همراهی عمومی با زندانیان سیاسی در بند و اینکه جامعه به فکر آنهاست. در همان حال جمع آوری لیست زندانیان سیاسی و علنی کردن آنها با اسم و عکسشان خیلی مهم است. با این کار ما به این عزیزان چهره علنی میدهم. يك مسئله دیگر نقش خود خانواده ها و بستگان و عزیزان زندانیان سیاسی است که می تواند خیلی مهم باشد. خانواده های میتوانند در سطح شهر براه بیفتند و با تهیه طومار، حمایت و پشتیبانی مردم را از مبارزه خود

قطعهنامه شورای اتحادیه های کارگری و ونکوور و حومه در کانادا به حمایت از کارگران زندانی در ایران و کمپین برای آزادی کارگران زندانی

در نشست ۱۷ نوامبر شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه، با پیشنهاد مسعود ارژنگ از فراخوان دهندگان و اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندان قطعهنامه ای در حمایت از کارگران زندانی در ایران و در حمایت از کمپین برای آزادی کارگران زندانی به تصویب رسید. متن این قطعهنامه را در زیر میخوانید:

موضوع: اعتراض به دستگیری و حبس رهبران و فعالین کارگری در ایران

از آنجا که همایون جابری یکی از رهبران سندیکای شرکت واحد روز سه شنبه ۱۰ نوامبر دستگیر و زندانی شد،

از آنجا که سعید ترابیان و غلامرضا غلامحسینی دو تن دیگر از رهبران سندیکای واحد در زمان

همراه کنند. لازم است که به نهادها و سازمانهای بین المللی کارگری و مدافع حقوق انسان نامه نوشت و از آنها درخواست اعلام حمایت کرد. ارسال نامه از سوی خانواده ها و همسران زندانیان سیاسی ابتکار جالب دیگری است که تاکنون بکار گرفته شده است و میتواند خوب و موثر باشد. مسئله بعدی طبعاً حمایتی است که ما از مبارزه خانواده ها می کنیم و تلاشهایی که بطور هماهنگ برای آزادی رفیق، همکار، دوست و یا هم دانشگاهی و هم محله ای خود می کنیم. تشکیل گردهمایی اعتراضی در این زمینه و

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com بهرام سروش

0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاک ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

جوکار ۱۰۰ کرون، مصطفی صابر ۲۰۰۰ دلار، بهمن زاکرنژاد ۵۰۰ یورو، تشکیلات آلمان حزب ۲۱۰۰ یورو، تشکیلات هلند حزب ۶۰۰ یورو، بهمن خانی ۱۰۰۰ یورو

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۱۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۱۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

آنها به عنوان سمبل زنان آزادی خواه ایران سوگوار بود و به این اعتبار تهمت نادانی، بی اطلاعی و بی شعوری به انتخاب کنندگان، از این زاویه معین، و فقط از این زاویه ناوارد است.

اما آنچه میتوانند این بیشمری آشکار را توضیح دهد این بود که در همان زمان قرار بود جمهوری اسلامی را به عضویت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، یکی از عالیترین ارگانهای این سازمان برای بسط و توسعه منشور حقوق بشر انتخاب کنند. همه چیز را از پیش رویار کرده بودند اما یک اشکال جدی در پیش راه این انتخاب وجود داشت. دولتهای عضو می دانستند که دنیا صحنه های تظاهرات میلیونی و فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی، صحنه های سرکوب و حبس، شکنجه و اعدام در مقابل وحشیگری و تبعیض جنسی مقاومت کرده اند. این انتخاب مضحکهای بود که به لب هیچ انسان شریفی لبخندی نیآورد، اما به رژیم اسلامی که در پی رویدادهای پس از انتخابات سال ۲۰۰۹ مستاصل نوعی تایید و مشروعیت رسمی و جهانی بود این امکان را میداد که با دست بازتری به سرکوب انقلاب، به سرکوب زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب بپردازد.

اینان بی تردید علیرغم کوتاه بینی خود می دانستند این انتخاب در آن مقطع نه فقط حتی با شامورتی بازی های سیاسی و رکب زدن های تبلیغاتی معمولشان ممکن نیست، بلکه بالقوه میتواند پرورنده سنگین بیگفایتی و بی خاصیتی سازمان ملل را سنگین تر و همان اندک اعتبار باقیمانده اش را هم بر سرش خراب کند. سازمان های عضو می دانستند که این انتخاب دولتهایشان را مستقیماً در موضع تخاصم علنی و انکار ناپذیر با مردم ایران، و در مقابل مردمی که در سراسر جهان علناً به حمایت از توده های مردم مبارز ایران و انقلابشان بر خاسته بودند قرار دهد.

همه میدانند که غرب رابطه اش با رژیم اسلامی را بر مبنای پرنسیپ "شلاق و هویج" تدوین کرده است. اعطای کرسی ۴ سال عضویت کمیسیون حقوق بشر به باند جنایتکاران اسلامی "هویجی" بود که نمیتوانستند در آن مقطع به اینان بدهند، اما قربانی کردن زنان را "معقول تر" و ممکن می دانستند. جمهوری اسلامی "داوطلبانه" نامزدی کرسی کمیسیون حقوق بشر را پس گرفت و در عوض کرسی کمیسیون جایگاه زن را دودستی و به اتفاق آرا تقدیمش کردند.

تقریباً ۷ ماه بعد، همان دولتهایی که برای کنار آمدن با جمهوری اسلامی "هویج"ها را سبک و سنگین میکردند، و با زیر پا گذاشتن شرافت و انسانیت، با خیانتی دیگر به اهداف و وظایف تعریف شده خود به جنایات رژیم ضد زن جمهوری اسلامی مشروعیت می دادند با صدای بلند، بدون پرده

لپین و فالانژ را تا سال ۲۰۱۵ در موقعیت عضو رهبری این کمیسیون قرار داد. اینان در آن روز شاید از توفانی که در راه بود بی خبر بودند. فکر میکردند آن روز هم روزی بود از روزهای خدا، نه بیشتر و نه کمتر.

وظیفه این کمیسیون که یکی از سازمانهای زیر مجموعه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل است طبق تعریف "اساساً" و "اختصاصاً" سیاست گذاری و اجرا آن سیاستها به منظور "تحقق برابری جنسی" است. این انتخاب توهینی بود به تمام زنان جهان، به تمام زنان و مردانی که برای برابری، و رفع تبعیض بر پایه جنسیت و برای دنیایی انسانی تر تلاش میکنند. این انتخاب به ویژه توهینی بود به تمام زنان ایران که ۳۱ سال است به بهای خون، حبس، شکنجه و اعدام در مقابل وحشیگری و تبعیض جنسی مقاومت کرده اند. این انتخاب مضحکهای بود که به لب هیچ انسان شریفی لبخندی نیآورد، اما به رژیم اسلامی که در پی رویدادهای پس از انتخابات سال ۲۰۰۹ مستاصل نوعی تایید و مشروعیت رسمی و جهانی بود این امکان را میداد که با دست بازتری به سرکوب انقلاب، به سرکوب زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب بپردازد.

این انتخاب هرچند از نظر جهان انسانیت غیر قابل تصور بنظر میآید اما بی "منطق" و حساب نشده و از نظر انتخاب کنندگان بی تردید در آن لحظه از تاریخ آشتیابه "هم نبود. اعطای این پست جایزه ای به ضد زن ترین رژیم جهان، جمهوری اسلامی بود. و دریغ از حتی یک صدای مخالفت از یکی از دولتهای عضو. رای گیری بی هیچ دلیلی مخفیانه بود و همه هم رای موافق دادند. همه موافق بودند که رژیمی که تبعیض جنسی و تجاوز و ظلم و بی حقوقی مطلق زنان و سنگسار را قانون اساسی خود کرده و جنایت و پدوفیلی در حق دختران خردسال را قانونی و مجاز کرده، البته که باید عضو کمیسیون جایگاه زن هم باشد! آنها به رژیم ضد زن اسلامی این امکان را دادند که تا سال ۲۰۱۵ با استفاده از تریبون سازمان ملل و عضو کمیسیون جایگاه زن، تبعیض و ستم و جنایت بر علیه زنان را تبلیغ و ترویج کند و در باره سرنوشت زنان جهان تصمیم بگیرد. این تصویب عضویت با اتفاق آرا یک تصمیم سیاسی بود و گرنه در آوریل ۲۰۱۰ گلهای سر مزار ندا و ترانه هنوز خشک نشده بودند و دنیا هنوز برای

سکینه آشتیانی، از کمیسیون جایگاه زن تا نهاد زن



احمد فاطمی

۲ هفته گذشته پوزه جمهوری اسلامی چند بار به خاک مالیده شد. ماجرای یونسکو را حتما شنیده اید. مورد دیگر فریاد یکپارچه جهان انسانیت بر علیه بربریت عربیان رژیم جلالان بود که یکبار دیگر تلاش میکرد سکینه محمدی آشتیانی را اعدام کند. این بار هم مثل بارهای گذشته و بسیار گسترده تر شریفترین مردم جهان یکصدان این وحشیگری را متوقف ساختند. مورد سوم شکست جمهوری اسلامی هم اتفاقاً به پرونده سکینه مربوط است. سکینه اینبار رژیم اسلامی را دادگاهی از نوع دیگر، دادگاه انسانیت متحمن بر علیه وحشیگری قرون وسطایی اسلامی محکوم و مجازات کرد. جمهوری اسلامی را به نهاد با نفوذ زنان سازمان ملل راه ندادند، تنها دلیلی که همه رسانه ها هم یکصدا ارایه کردند پشتوانه این شکست را در یک جمله بدست میدهد. رژیمی که زنان را سنگسار می کند، رژیمی که زنان را شلاق میزند، رژیمی که اپارتاید جنسی و جرم و جنایت بر علیه زنان را به قانون اساسی خود تبدیل کرده را نمی توان به این جمع پذیرفت.

تصمیم ممانعت از انتخاب جمهوری اسلامی به عضویت این نهاد، رعد در آسمان بی ابر نبود. البته این تصمیم سازمان ملل ناشی از اهتمام و توجه صادقانه سازمانهای عضو به مساله زنان هم نبود. این همان سازمانی است که رژیم اسلامی را به عضویت هیات رهبری دوره ای سازمان جهانی کار پذیرفته است. رژیمی را در میان خود جای داده اند که کارگران را به دلیل طلب ابتدایی ترین حقوقشان به دلیل برگزاری روز کارگر، به دلیل طلب دستمزدها می کوبد. می بندد، شکنجه و محاکمه می کند. اما از این هم شرم آور تر، این همان سازمانی است که چند هفته پیشتر از شروع کمپین نجات سکینه، جمهوری اسلامی را به عضویت کمیسیون جایگاه زن پذیرفت و رژیم خواهران زینب، زنان حزب اللهی،

پوشی، با علینیتی تعمدی و با افتخار اعلان کردند که جمهوری اسلامی جایی در نهاد زن سازمان ملل ندارد. اینها همان دولتهای هستند. اشتباه است که تصور کرد که به دلایلی، ماهیت این دولتها تغییر کرده است. اینها در همان حال که یک رژیم ضد زن، جمهوری اسلامی را برای اشغال این پست نالایق اعلان کردند به عربستان سعودی، یک رژیم دیگر علناً ضد زن، به کنگو که تجاوز را سیاست داخلی خود کرده است، و یک بار دیگر با قربانی کردن زنان عربستان سعودی و

معامله سیاسی دولت آلمان با رژیم ایران پشت درهای بسته

روز دوشنبه ۲۲ نوامبر قرار است در هامبورگ ملاقاتی بین نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی و دست نشانندگان دولت آلمان تحت عنوان "نشست اقتصادی ایران - بین تحریم و آینده" و با پوشش معامله و دیالوگ تجاری با مناطق شمال غربی ایران انجام بگیرد.

مهمانان این نشست از جمله علیرضا شیخ عطار سرکنسول جمهوری اسلامی در آلمان که در عین حال سخنانی افتتاحیه را نیز اجرا میکند و علیرضا بیگی استاندار آذربایجان شرقی هستند.

این نشست درست زمانی صورت

به پیش برود. دولت آلمان صرفنظر از اینکه چه حزبی در راس قدرت بوده است از بدو روی کار آمدن رژیم جنایتکار اسلامی در ایران تحت هر شرایطی روابط دیپلماتیک و اقتصادی حسنه اش را با جمهوری اسلامی به پیش برده است. اما بعد از خیزشهای انقلابی مردم در ایران و خارج از کشور و همبستگی جهانی با مردم ایران، زد و بند با جمهوری اسلامی دیگر در روز روشن برای دولت آلمان به راحتی میسر نیست و با بایکوت اقتصادی رژیم این مشکلات به اوج خود رسیده اند.

با گروگان گرفتن دو ژورنالیست آلمانی اکنون جمهوری اسلامی تلاش میکند از دولت آلمان امتیاز بگیرد و دولت آلمان را تحت فشار قرار دهد. بی دلیل نیست که استاندار آذربایجان

شرقی یعنی استانی که سکینه سجاده هوتن و دو روزنامه نگار آلمانی در زندان آن به سر میبرند نیز در این نشست حضور دارد.

حضور استاندار آذربایجان شرقی در این نشست، اهداف و نیت های این نشست را کاملاً عیان میکند.

از طرف سازمان های آلمانی و ایرانی مخالف رژیم منفرود اسلامی تظاهراتی در اعتراض به این نشست و افشای سیاستهای پشت پرده دولت آلمان و همچنین برای نجات سکینه و شهلا جاهد، آزادی دو ژورنالیست آلمانی و همه دستگیرشدگان تظاهراتی فراخوان داده شده است. همه نهادها و فعالین حقوق انسانی و مخالفین جمهوری اسلامی را به این تظاهرات که روز دوشنبه ۲۲ نوامبر ساعت ۱۰

خواستند و زمانی که به ایران رفتند از مینا احدی برای ترجمه کمک خواستند. اقرار گرفتن زیر فشار و شکنجه از دستگیرشدگان يك سياست نخ نماي جمهوری اسلامی است.

مقامات مختلف جمهوری اسلامی در طول پنج ماه گذشته و تحت فشار یکی از قدرتمندترین کمپین های جهانی که با ابتکار مینا احدی و کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار شروع شد، اظهارات ضد و نقیض زیادی داشته اند و به هر دری زده اند بی آبرویی بیشتری برای خود به بار آورده اند. بارها خود را برای قتل سکینه آماده کردند اما فشار این کمپین جهانی آنها را عقب زد. این اقدام نیز منجر به رسوائی بیشتری برای رژیم و گسترش مبارزه برای نجات می اندازند و رسماً اعلام میکنند که حق اطلاع رسانی به مردم را ندارند. این بخشی از وحشیگری حکومت اسلامی برای مقابله با اعتراضات رو به گسترش مردم است.

به این رفتار ضد انسانی حکومت اسلامی باید با تمام قوا اعتراض کرد. از همه سازمان های مدافع حقوق انسان، سازمان های وکلا و همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان میخواهیم به هر شکل ممکن، از جمله برگزاری

سکینه و سایر دستگیر شدگان خواهد شد.

ما اقدام جمهوری اسلامی در وادار کردن زندانیان به اعتراف علیه خودشان، را شدیداً محکوم میکنیم و از همه مردم دنیا، از سازمانها و نهادهای بین المللی میخواهیم که جمهوری اسلامی را محکوم کنند و خواهان آزادی فوری سکینه، سجاده، هوتن و دو خبرنگار آلمانی و همینطور تمام محکومین به سنگسار بشوند و فعالیت های خود را برای نجات آنها گسترش دهند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۵ نوامبر ۲۰۱۰

میتینگ، نامه های اعتراضی و غیره دست به اعتراض بزنند و خواهان آزادی فوری همه وکلای دستگیر شده بشوید.

از اتحادیه اروپا و سازمان ملل درخواست میکنیم که به این موج دستگیری و آزار وکلا توسط حکومت اسلامی اعتراض کنند و خواهان آزادی فوری وکلای زندانی شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنگسار
۱۵ نوامبر ۲۰۱۰

از صفحه ۹

سکینه آشتیانی، از کمیسیون ...

مقابل وزارت خانه های امور خارجه قرار داده است، احزاب دولتهای ائتلافی را در دیپلماسی شان در قبال جمهوری اسلامی ایران دچار تفرقه و تشتت کرده است آن توفانی است که دولتهای عضو سازمان ملل در آوریل سال ۲۰۱۰ از نزدیکی بی خبر بودند.*

کمیته بین المللی علیه سکینه و تصویر رزمندگان از مینا احدی و اقدامات انسانی و افشاگری هایش علیه جمهوری اسلامی میدهد!

همینجا برای روشن شدن اذهان عمومی لازم است گفته شود که دو خبرنگار آلمانی مطلقاً به درخواست کمیته بین المللی علیه سنگسار و یا مینا احدی به ایران نرفته اند. این دو خبرنگار برای تهیه گزارش و مصاحبه از جانب روزنامه مربوطه به ایران سفر کرده اند و با مینا احدی تماس گرفته و برای تماس با سجاده از او کمک

اکنون که بیش از يك ماه از دستگیری اش میگذرد به او و سجاده اجازه ملاقات نداده و آنها از گرفتن وکیل محروم کرده اند. نسرين ستوده نیز بیش از دو ماه است در زندان اوین بسر میبرد. نسرين ستوده مادر دو کودک است که به جرم دفاع از زندانیان سیاسی و نوجوانان محکوم به اعدام دستگیر شده و بدلیل اعتصاب غذا جاننش در خطر است، مقامات زندان حتی حاضر نیستند داروهای او را در اختیارش بگذارند.

دستگیری هفت وکیل در دو ماه گذشته گوشه ای از کارنامه حکومت اسلامی در مورد وکلا و زندانیان است. دستگیری وکلا در عین حال کل سیستم قضائی جنایتکارانه حکومت اسلامی و بی حقوقی زندانیان و مردم را در معرض دید جهانیان قرار داده است. مردم را به جرم های واهی دستگیر میکنند و وکلایشان را به جرم دفاع از آنها به زندان



مشغول مصاحبه بودند، دستگیر شدند. سجاده و هوتن بلافاصله تحت شکنجه قرار گرفتند و تاکنون از ملاقات و نیز از گرفتن وکیل محروم بوده اند. دو روزنامه نگار آلمانی نیز به جرم! مصاحبه با هوتن و سجاده همچنان در زندان به سر میبرند. هدف جمهوری اسلامی از نمایش این برنامه این است که افکار عمومی را علیه سکینه محمدی و مینا احدی برانگیزد اما علیرغم همه تلاشی که برای ساختن این برنامه کرده است، حتی خود برنامه تصویری قوی از

پنج وکیل در هفته گذشته در ایران دستگیر شدند، نسرين ستوده و هوتن کیان نیز همچنان در زندانند

هنوز خانواده دستگیر شدگان از محل نگهداری این وکلا اطلاعی ندارند.

دو روز قبل از دستگیری این وکلا لاریجانی رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی، انجام مصاحبه با رسانه های بین المللی از سوی وکلا را "موجب وهن جامعه وکلا" نامید و در حقیقت اعلام کرد که انجام هر نوع افشاگری در مورد جنایات بی حد و حصر رژیم اسلامی علیه زندانیان سیاسی و یا محکومین به اعدام و سنگسار با عکس العمل شدیدتر دیکتاتوری حاکم روبرو خواهد شد.

هوتن کیان وکیل سکینه محمدی آشتیانی نیز روز ۱۰ اکتبر به همراه سجاده قادرزاده فرزند سکینه و دو خبرنگار آلمانی در تبریز دستگیر شد و

شو تلويزيون جمهوری اسلامی علیه سکینه و دستگیر شدگان این پرونده

صدا و سیمای جمهوری اسلامی در برنامه خبری هشت و سی امشب صدا و سیمای خود، ویدئویی اعتراف گیری از زندانیان توسط وزارت اطلاعات را پخش کرد. در این برنامه سکینه محمدی آشتیانی، سجاده، هوتن و دو خبرنگار آلمانی متعلق به روزنامه "بیلد ام زونتاک (Bild Am Sonntag)" (Sonntag) وادار شده اند که علیه خود اقرار کنند.

روز ۱۰ اکتبر دو خبرنگار آلمانی و هوتن کیان و سجاده قادرزاده پسر سکینه در حالیکه در دفتر هوتن

به وکلای بدون مرز و سایر سازمانهای مدافع حقوق وکلا در سراسر جهان به سازمان های کارگری، سازمان های مدافع حقوق زنان و کلیه سازمانها و شخصیت های مدافع حقوق انسان به اتحادیه اروپا و سازمان ملل دادستان تهران روز یکشنبه ۱۴ نوامبر اعلام کرد که سه وکیل در بازگشت از ترکیه در فرودگاه تهران بازداشت شده اند. او همچنین گفت که دو وکیل دیگر مرتبط با این سه نفر نیز در منازل خود بازداشت شده اند. سارا صباغیان، مریم کیان ارشی، و مریم کرباسی سه زن وکیل هستند که در فرودگاه بازداشت شدند. هويت دو وکیل بازداشتی دیگر تاکنون معلوم نشده است.

اطلاعیه شماره ۹۷:

جمهوری اسلامی ضد کمونیست ...

اصغر کریمی



سکینه مصاحبه کنند، و کیلی را به سجاد برای وکالت مادرش معرفی کرده است، مینا را در کنفرانس ها و مقابل دوربین رسانه ها نشان میدهد که مشغول تلاش برای جهانی کردن مساله سکینه است، و گوشه هائی از سخنرانی ها و مصاحبه هایش را نشان میدهد که میگوید سکینه قربانی قوانین جمهوری اسلامی است، عکس سکینه و ندا را باید کنار هم گذاشت، از شخصیت ها و دولتهائی که در این کمپین بسیج شدند صحبت میکند و گوینده صدا و سیما میگوید او با پوشش فعال دفاع از حقوق زنان مشغول فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی است! اینها حملات صدا و سیما جمهوری اسلامی به مینا احدی بود. و بالاخره گفتند مینا احدی کمونیست در دوره جنگ از ایران فرار کرده است.

اینها همه از نظر جمهوری اسلامی جرم هائی است که برای چند بار محکومیت اعدام کفایت میکنند اما همه اینها برای مینا و همزمان مینا مایه افتخار است و مردم ایران، آنها هم که مینا و فعالیت هایش را نمی شناختند از طریق این برنامه با گوشه هائی از فعالیت های انسانی او آشنا شدند. مسئولین صدا و سیما شاید ابلهانه تصور کرده اند که کلمه کمونیسم مردم را دم میدهد و آنها را در دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی و علیه مینا احدی به خط میکند. و من میخواهم چند کلمه درمورد همین کمونیسم مینا احدی صحبت کنم.

دقیقا همان جرم هائی که صدا و سیما رژیم به مینا نسبت داد، بیانگر کمونیسم او است، دفاعش از حقوق زن، مبارزه اش علیه اعدام و سنگسار، مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی، کمک کردن و وکیل گرفتن برای زنی گمنام و له شده در زندان های رژیم و تبدیل او به یک شخصیت بسیار مشهور جهانی، افشای سیستم قضائی جمهوری اسلامی، نشان دادن عمق کثافت مذهب و مقدسات مذهبی و مهمتر تاثیرگذاری در زندگی مردم و توانائی در به حرکت درآوردن افکار عمومی مردم جهان در حمایت از مردم ایران. اینها از مشخصات کمونیسم مینا و کمونیسم کارگری ما است. صدا و سیما رژیم به عبث فکر میکرد با گفتن مینا احدی کمونیست

انسانهای شریف میتپد. اینرا منصور حکمت در اکتبر ۱۹۹۹ یعنی سه سال قبل از اینکه سرطان او را از پا درآورد در سخنرانی زیبایش در استکهلم گفت: "من فکر میکنم ما شانس داریم برای اینکه اکثریت عظیم مردم در جهان کمونیست هستند و خودشان نمیدانند. من فکر میکنم زیب پوست هر انسان منصفی را باز کنید يك کمونیست بلشویک را میبینید که میخواهد از آن بیرون بیاید. در وجود تک تک ما سوسیالیستهای پرحرارتی نهفته است که میخواهد از این قالب بیرون برزند. از قالبهایی که هیچکدام از آنها از بدو تولد همراه ما نبوده اند. قالب نژادی، قالب مذهبی، قالب ملی، قالب قومی، قالب سنتی، قالب جنسیتی، هیچکدام اینها هییت ما را در بدو تولدمان شکل نداده اند. من معتقدم آن سوسیالیسم درونی ما، آن آدم سوسیالیستی که داخل پوست جلد ماست زیر بار هویتهایی که در اول زندگی برایش تراشیده میشود مدفون است، بار هویتهایی که آنرا در فضا حس میکنید که هر روزه هست. ... کمونیسم يك اسم دیگری برای تمام انسانیت، تمام برابری طلبی، تمام آزادیخواهی ما در بهترین حالتیمان است. کمونیسم مکتبی در جوار عقاید دیگر آزادیخواهان نیست. کمونیسم داستان کل آزادیخواهی است. به این اعتبار فکر میکنم خیلی از ماهایی که اینجا نشستیم با هر دیدگاهی که داریم اگر کسانی هستیم که دلمان از ظلمی که به کسی وارد میشود، میگیرد یا از فقر کسی ناراحت میشود. این کمونیسم ماست. ... شما سوسیالیست هستید. اگر باشرف هستید سوسیالیست هستید، اگر منصف هستید سوسیالیستید، اگر در خیابان میبینید کسی دارد به کسی زور میگوید و میروید قد علم میکنید شما سوسیالیست هستید. چون دارید اجتماعی فکر میکنید و خودتان را جای کس دیگری میگذارید و میگوئید من با این آدم برابر و این کاری که سر این آدم میاید اگر سر من میامد، اعتراض می کردم. کمونیست بنابراین يك دستگاه خلق شده، يك قالب میناتور نیست که روی آن کلی کار کرده اند تا به اینجا رسیده است. برعکس يك شعار قدیمی و ابتدائی انسان است. شعار برابری انسانهاست. منظورم از برابری انطباق آدمها با هم نیست. منظورم این نیست که مثل هم لباس بپوشند و مثل هم کار کنند. اینکه در جهان خودمان يك شأن داشته

باشیم و اینکه اگر خواستیم بتوانیم يك کاری با زندگیمان بکنیم، با هم فرق نداشته باشیم. بنا به طبقه، نژاد یا هر چیز دیگری با هم تفاوت نداشته باشیم. این کمونیسم است." و در انتهای سخنرانی اش همه را فراخوان داد که "این حزب شما است به این حزب پیوندید". اگر امروز مینا احدی به شخصیت مشهور و محبوبی نه فقط در ایران که در سطح بین المللی تبدیل شده است و میلیون ها نفر او را مورد تقدیر قرار میدهند، دقیقا به خاطر فعالیت های کمونیستی او است، آن کمونیسمی که ما میگوئیم، کمونیسمی که منصور حکمت توصیفش را میکرد.

با تمام قوا به استقبال ۱۶ آذر برویم!

است. این ها نشانه های يك حکومت نرمال مقتدر که خطری تهدیدش نمی کند و دارد زندگی اش را می کند نیست، برعکس نشانه های حکومتی است که حتی از سایه خود وحشت دارد و هر حرکتی از طرف مردم و جوانان برایش تهدید مرگ محسوب می شود.

سازمان جوانان کمونیست همه دانشجویان و جوانان و دانش آموزان را فرا می خواند وسیعا به استقبال ۱۶ آذر روز دانشجو برویم و خودمان را برای برگزاری این روز آماده کنیم. باید فضای دانشگاه و جامعه را برای برگزاری این روز آماده کنیم، با شعار نویسی در دانشگاه و خیابان، با پخش اطلاعاتیه و فراخوان مردم و جوانان به برگزاری تجمعات در این روز به استقبال ۱۶ آذر برویم. با صدور بیانیه های دانشجویان از دانشگاه های مختلف و فراخوان به دوستان و همکلاسی ها برای برگزاری این روز، با پر کردن فضای اینترنت از فراخوان ها و بحث های مربوط به ۱۶ آذر، با طرح مطالبات دانشجویان و جوانان، با خواست آزادی دانشجویان و زندانیان سیاسی، با خواست لغو احکام کمیته های انضباطی و برجیدن بساط نهادهای سرکوبگر حکومتی مثل کمیته انضباطی و حراست و بسیج و نهاد رهبری از دانشگاه ها و خواست لغو جداسازی جنسیتی و لغو قوانین تبعیض آمیز در حق زنان و دختران و خواست لغو مجازاتهای قرون وسطایی اعدام و سنگسار خود را برای برگزاری هر چه وسیعتر این روز آماده کنیم.

زنده باد حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
سازمان جوانان کمونیست

به یاد انقلاب اکتبر...

از صفحه ۱۲

ها را به عالم نظر دادن و دخالت در سیاست باز کرده بودند و این البته برای ایندولولوگها هم بخشودنی نبود.

تزدیک نه میلیون انسان در این سالها جان خود را از دست دادند. فقط يك و نیم میلیون در جنگ داخلی کشته شدند. ۳۰۰ هزار انسان با تیفوس نابود شدند. میلیونها انسان هم در کام گرسنگی جان سپردند. این انتقام سرمایه داری از انقلاب اکتبر بود.

جنگ سرد ادامه همین انتقام از انقلاب اکتبر بود. خود سرمایه داری جهانی به خوبی واقف بود که بعد از مرگ لنین، جنبشی که قصد لغو کار مزدی را داشت پیروز نشد. بلکه جنبشی پیروز شد که به هر قیمتی میخواست روسیه را صنعتی کند و به آرزوی ناسیونالیسم عظمت طلب روسی تحقق بخشد. استالین به سبیل این عظمت طلبی تبدیل شد و به قیمت نابودی میلیونها کارگر و کمونیست بالاخره سرمایه داری دولتی را در روسیه برقرار کرد. استالین را آگاهانه با کمونیسم یکی کردند، شوروی سرمایه داری دولتی را آگاهانه با کمونیسم تداعی کردند تا بتوانند دیکتاتوری استالین را به حساب اکتبر بگذارند و از این طریق به کمونیسم و سوسیالیسم حمله کنند و انتقام از انقلاب اکتبر را ادامه دهند. بیدلیل نبود که وقتی دیوار برلین فرو ریخت و شوروی سقوط کرد، فقط مجسمه لنین را پایین نکشیدند؛ برای کلچاک هم مجسمه یاد بود برپا کردند.

۴- چند درس از میان درسهای انقلاب اکتبر: ۱. انقلاب اکتبر جایگاه و اهمیت و نقش متشکل شدن در حزب را به طبقه کارگر نشان داد.

نشان داد که طبقه کارگر و کمونیستها فقط با متشکل شدن در حزب کمونیستی میتوانند قدرتمندترین امپراطوری را به زانو در بیاورند و قدرت را بدست بگیرند. شاید يك حکومت مستبد بدون حزب کمونیست هم سرنگون شود اما در این صورت و در بهترین حالت فقط يك جابجایی ساده قدرت میان جناحهای مختلف همان نظام قدیم انجام میگردد و قطعاً کارگران نمیتوانند در قدرت سیاسی سهمی داشته باشند. این موضوع، یعنی اهمیت و جایگاه يك حزب کمونیستی برای تغییر را امروز به وضوح در شرایط ایران میتوان مشاهده کرد. در جنبش انقلابی سال ۸۸، مردم معترض تا دم در خامنه ای رفتند. چنین جنبشی اگر توسط يك

نباید بگذاریم شهلا جاهد را بکشند

این قتل را به عهده بگیرد و چه کسی بهتر از يك زن که رابطه مخفیانه با محمد خانی همرس مقتول داشته و علیه او میتونان فضا سازی کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه مردم در ایران و جهان دعوت میکند به این جنایت وحشیانه حکومت اسلامی اعتراض کنند. دنیا باید در مقابل این ماشین جنایت و آدمکشی بپاخیزد و اینبار هم آنها را سر جای خود بنشانند.

از همه مردم شریف دنیا و همه سازمانهای مدافع حقوق زن و مدافع حقوق انسان دعوت میکنیم که با تمام قوا به حکم اعدام شهلا جاهد اعتراض کنند و مانع قتل او توسط حکومت جنایت اسلامی شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ نوامبر ۲۰۱۰

جمهوری اسلامی تصمیم به قتل شهلا جاهد گرفته است و اعلام کرده است که روز ۱۰ آذر (۱ دسامبر) او را به قتل خواهد رساند. سران جمهوری اسلامی میخواهند نشان دهند که اگر دنیا جلو آنها را برای سنگسار و اعدام سکینه گرفته است، آنها در عوض میتوانند شهلا جاهد را پس از هشت سال زندان به جوخه اعدام ببرند!

رسانه های جمهوری اسلامی وظیفه زمینه سازی برای این قتل را به عهده دارند و دروغهای مکرری را تحویل جامعه داده اند اما حتی اشاره کوچکی به ده ایراد حقوقی و کیل پرونده و کل پروسه رسیدگی به این پرونده نمی کنند. نمیگویند که شهلا را شکنجه کرده و بعد از چندین هفته له کردن او، از وی اقرار گرفته و خودشان گفته اند که بفکر باید

حزب سیاسی رادیکال و سرنگونی طلب رهبری میشد براضی میتوانست ده تا حکومت اسلامی را به زیر بکشد و از لحاظ سیاسی پیروز شود. اما برای پیروزی نهاییش، یعنی هم سرنگونی حکومت اسلامی و هم استقرار جامعه ای رها از تبعیض و استثمار، قطعاً نیازمند رهبری توسط حزبی است که برنامه اش رهایی کل جامعه از نظام طبقاتی سرمایه داری است. اینجاست که مسئولیت و جایگاه تعیین کننده حزب کمونیست کارگری، به مثابه منسجمترین، متشکلترین حزب که هدفش هم سرنگونی حکومت اسلامی و هم زیر رو کردن ریشه ای کل سرمایه داری است برجسته میشود.

۲. سرمایه داری با سرنگون شدن حکومتش دست از سر طبقه کارگر بر نمیدارد. هار تر میشود. در هم شکستن خود این مقاومت به طور قطع وجه مهمی از تلاش طبقه کارگر است. طبقه کارگر روسیه فقط با اتکا به حزبش توانست هجوم خونین طبقه سرمایه دار را در هم بکشند و بالاخره حکومت نوپایش را نجات دهد. ارتش سرخ، فقط به یمن وجود يك رهبری منسجم و متشکل توسط حزب بلشویک بود که توانست هجوم ارتش سفید را دفع کند. جنگ داخلی که بر کارگران پیروز تحمیل کردند و پیروزی این است. اینجا يك نکته دیگر را هم باید اضافه کرد. برای خنثی کردن مقاومت سرمایه داری و حکومتش بعد از سرنگونی، باید افکار عمومی

بلشویکها و انقلاب اکتبر و مخصوصاً کسی که چنین اتفاق عظیم تاریخی را رهبری کرده بود نمی بخشید. مسئله فقط این نبود که در يك ششم کره زمین امکان چپاول و مفتخوری را از دست داده بودند. مسئله این بود که بلشویکها با انقلاب اکتبر راه را به کارگران جهان نشان داده بودند. نشان داده بودند که کارگر هم میتواند اختیارش را بدست بگیرد. مهمترین دول سرمایه داری در جهان و بازماندگان سرمایه دار و مالک و ارتشی روسیه متحد شدند تا این حرکت انسانی را در خون غرقه کنند و به عدالتخواهی و آزادیخواهی درس سختی بدهند. متحد شدند تا انقلاب اکتبر را به زانو در بیاورند. چرچیل همان موقع گفت که "باید بلشویسم را در گهواره خفه کرد" و جهان سرمایه داری بسیج شد تا جنبش عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی را در گهواره خفه کنند. به این ترتیب، ارتش سفید به مثابه ماشین آدمکشی به راه افتاد و به هر قساقوسی که ممکن بود متوسل شد تا حکومت نوپای کارگری را سرنگون کند. و اگر هم نتوانست سرنگون کند حداقل این پیروزی را به کام طبقه کارگر روسیه و جهان تلخ کند.

ملاکین و سرمایه داران و تاجران مردم را احتکار کردند. در حالیکه گندم و آرد در انبارها میپوسید، کارگران پتروگراد حتی ۵۰ گرم نان گیرشان نمی آمد. کلچاک و دنیکن و یودنیچ، این آدمکشان حرفه ای بازمانده از تزار، به همدستی ارتش جهانی سرمایه، در سراسر روسیه جبهه باز کردند. باندهای اسلامی در آسیای میانه، در گروههای مثل باسماچی متشکل شدند و به کمک این جبهه شتافتند. مردم سیبری و اورال را هزار هزار تیرباران کردند. کارگران و دهقانان شورشی را در طول راه آهن سراسری سیبری، از تیرهای تلگراف به دار آویختند. بلشویکها را از درختان جنگلهای تایگا آویزان کردند تا از گرسنگی زجر کش شده و خوراک حشرات شوند! اعلام کردند که "ویران کردن يك آبادی بهتر از این است که يك کمونیست در آنجا باشد" و روستاها و نواحی مسکونی کارگران را ویران کردند و به آتش کشیدند. فلاسفه و شعرا و ادبای بورژوا هم البته این وسط ساکت نبودند و تا میتوانستند برای تخطئه بلشویکها کوشش کردند. بلشویکها از نظر این قشر پای پابرهنه

همجسگرایی قانونی شد. مذهب: بعد از انقلاب اکتبر مذهب از عرصه آموزش، زندگی زنان، و کلا زندگی عمومی بیرون رانده شد. تمام املاک و دارایی کلیساها و نهادهای مذهبی مصادره شد. به مذهب افسار زده شد. انقلاب اکتبر دست کثیف این نهاد مافیایی را از زندگی مردم جارو کرد.

آثار جهانی: انقلاب اکتبر علاوه بر دستاوردهایش در زندگی کارگران و تهیدستان روسیه، در سطح جهان هم الهام بخش تحرك عظیم کارگران و تهیدستان شد. تلقی انسانها از اقتصاد و مناسبات سیاسی و زندگی و خودشان را تغییر داد. میلیونها انسان در جهان با الهام از انقلاب اکتبر، جنبشهای عظیمی علیه طبقات حاکم راه انداختند. چپ و کمونیسم در سطح جهان معتبر شد. هر جنبشی و اعتراضی که برای عدالت و آزادی مبارزه میکرد حتما قالب چپ به خودش میگرفت. و این البته یکی از نگرانیهای مهم دول سرمایه داری بود. بر اثر انقلاب اکتبر، توازن قوا در خود کشورهای سرمایه داری به نفع طبقه کارگر چرخید. جناح چپ سرمایه داری از ترس عروج انقلاب، قبول کرد که باید کمی به سرمایه داری چهره باصطلاح انسانی بدهد که منجر به دولتهای رفاه شد.

۳- تعرض خونین سرمایه داری: لازم است اینجا ذکر کنیم که انقلاب اکتبر با تمام عظمتش، انقلاب بدون خونریزی بود. بنا بر اکثر روایات، در این انقلاب، علیرغم اینکه بلشویکها، کارگران و سربازان مسلح حکومت را ساقط کردند اما تعداد دستگیر شدگان کمتر از انگشتان دو دست بود و طبق روایاتی فقط چند نفر کشته شدند. علت اصلی اش این بود قیام اکتبر توسط يك حزب سازمانیافته کمونیستی و تحت رهبری اش انجام گرفت، حزبی که در تمام دقایق این انقلاب دخالت داشت. حزبی که پایبند ارزشهای انسانی بود و همین فرهنگ سیاسی را در صفوفش اشاعه داده بود. احترام به انسانیت و اجتناب از قتل و آزار انسان وجه مهمی از فرهنگ سیاسی این حزب بود و این را حتی در جریان قیام به خوبی نشان دادند.

با این حساب معلوم است که سرمایه داری از دست درازی به صدها سال مفتخوری سرمایه داری را به

جهانی را با انقلاب خود همراه کرد. شرایط ایران يك امتیاز بزرگ نسبت به شرایط روسیه مقطع انقلاب اکتبر دارد. اولاً، حکومت اسلامی تا همینجا در جهان منفور شده است. برعکس، اعتراض مردم ایران در قلب اکثریت عظیمی در جهان جا باز کرده است. به یمن همین دو فاکتور، دست انقلاب سوسیالیستی در ایران بسیار بیشتر از انقلاب اکتبر برای جلب همبستگی جهانی باز است. همان انسانهایی که در دفاع از حق حیات يك زن در بند، سکینه محمدی آشتیانی، به نحو تحسین انگیزی به جمهوری اسلامی اعتراض کردند، از انقلاب مردم برای آزادی و عدالت هم حمایت خواهند کرد. و البته روش است که به یمن اینترنت، انقلاب ایران قادر خواهد بود در پیش چشمان باز مردم رخ دهد. اعتراض ۸۸ این حقیقت را به خوبی نشان داد.

۳. انقلاب اکتبر نشان داد که برای رسیدن به رهایی، پیروزی سیاسی کافی نیست. باید آن ارکانی را زیر و رو کرد که فقر و تبعیض و فاصله طبقاتی و در نتیجه نیاز به استبداد و دیکتاتوری و خرافه و مذهب را تولید و باز تولید میکند. باید کار برای مزد را لغو کرد. باید مالکیت خصوصی اقلیت از جامعه بر همه وسایل تولید را لغو کرد و همه امکانات و منابع و وسایل تولید جامعه را در اختیار کل جامعه قرار داد که بتوانند تولید را بر اساس نیازهای کل جامعه سازمان دهند و همه انسانها را از فقر و تبعیض و استبداد نجات دهند.*

به یاد انقلاب اکتبر

۱- چرا مراسمی برای انقلاب اکتبر؟

چرا واقعا برای اتفاقی که تقریباً صد سال پیش رخ داده است باید جشن گرفت؟ این اتفاق در اول قرن بیست، زمانی و در جایی رخ داد که تازه در شهرهایش برق میکشیدند. آن دهه اول قرن بیست و یک است. عصر کامپیوتر و اینترنت و شاهراه اطلاعاتی است. آیا واقعا این کار ما نوعی دل خوش کردن انسانهای آرمناخواه و آزادیخواه و انساندوست به یک واقعه تاریخی نیست؟ آیا به این خاطر نیست که ما کمونیستیم و آن اتفاق هم به رهبری یک حزب کمونیست انجام شد و ما یک جوری خودمان را مدیون آن انقلاب میدانیم؟ آیا نوعی حفظ امید تغییر نیست؟ آیا نوعی ارج گذاری به انقلاب توسط کسانی که فکر میکنند انقلاب تنها راه نجات است نیست؟ البته این حقیقت دارد. هر کسی به آن اتفاقی از تاریخ ارج میگذارد که اندیشه ها و آرمانها و فلسفه زندگی را منعکس میکند. یک ناسیونالیست که فلسفه سیاسی اش حفظ حرمت و سعادت همه انسانها نیست و واقعا فکر میکند هر چه به وطن خودش متعلق است حتی پیروزیهای شاهان کشور گشای خودش ارج گذاشتنی است میروند خاطره این کشورگشایی را جشن میگیرد حتی اگر به قیمت بیخانمان کردن و کشتار عظیم مردم کشور همسایه انجام شده باشد. به این معنا، ما که برای آزادی و عدالت و برابری مبارزه میکنیم روشن است واقعه ای را ارج میگذاریم که بزرگترین و پیروزترین تلاش شناخته شده تاریخ بشر برای عدالت و آزادی بوده است. اما اگر بخواهیم دقیقتر معلوم کنیم که چرا انقلاب اکتبر مهم است کمی روی این انقلاب و اهداف و آرمانهایش و دستاوردهایش باید دقت کنیم.

۲- دستاوردهای انقلاب اکتبر و "جرمهای" لنین
نظام سیاسی آزاد، حکومت کارگری

انقلاب اکتبر در کشوری بزرگ (یک ششم کره زمین) رخ داد که اکثریت جمعیت اش دهقانان فقیر و کارگران فقر زده بودند که اقلیتی ملاک



محسن ابراهیمی

و سرمایه دار بر آنها حاکم بودند و این حاکمیت طبقاتی هم توسط یک نظام سیاسی فاسد و مستبد عملی میشد. آزادی به هیچ معنا در این جامعه وجود نداشت و یک دستگاه پلیسی با شبکه وسیعی از زندانها و شکنجه گاهها حاکمیت طبقاتی این اقلیت مفتخور را بر جامعه تامین میکرد. کارگران و دهقانان و تهیدستان و زنان در این جامعه حقی در سرنوشت سیاسی خود نداشتند. اینها همه رعایای تزار محسوب میشدند. و البته همین امپراطوری که از سالها پیش از انقلاب اکتبر با اعتراضات و اعتصابات کارگران و شورشهای تهیدستان روبرو بود، وارد جنگ جهانی اول شد که اولاً سهمی از تقسیم جهان داشته باشد و ثانیاً صدای مردم را با اتکا به خطر خارجی خفه کند و بتواند به حاکمیت طبقاتی ادامه دهد. که البته خود جنگ فقر و گرسنگی و اعتراض را به یک پدیده دائم و گسترده این جامعه تبدیل کرد. انقلاب اکتبر، نه تنها کارگران را از طریق شوراهای کمیته های کارخانه، در موقعیت کنترل کارخانه ها قرار داد، نه تنها فوراً حد اکثر هشت ساعت کار را قانونی کرد، نه تنها بلافاصله افزایش دستمزد را عملی کرد، نه تنها اعلام کرد زمین به کسانی تعلق دارد که روی آن کار میکنند بلکه فزاد از اینها مناسبات سیاسی را در سطحی وسیعتر زیر و رو کرد. اولین دستاورد این انقلاب، ضربه زدن به سیستم مستبد سیاسی تزاری توسط طبقه کارگر متشکل بود. سرنوشت کردن حکومت سرمایه داری توسط کسانی بود که تا آنزمان همیشه در لایه پایین جامعه له میشدند. انقلاب اکتبر بوروکراسی مفتخور تزاری با تعداد گسترده ای از افسران و باجوبان و شکنجه گران را کنار زد و قدرت را بدست کارگران سپرد. تهیدستان جامعه، از طریق شوراهای کارگران، سربازان و دهقانان فقیر به سرنوشت خود حاکم شدند. برای دومین بار در تاریخ جوامع طبقاتی (در کمون هم در سطح محدود حکومت دست

شهروندان افتاده بود) کارگران و اقشار پایین جامعه مستقیماً سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود را بدست گرفتند. انقلاب اکتبر نشان داد که کارگران میتوانند حکومت را بدست بگیرند و حکومت کنند. حکومت کارگری امکان پذیر است. نشان داد که طبقه کارگر اگر به حیز مسلح شود قادر است به جنگ نیروهای پرود که به اسارتش کشیده اند و قادر است پیروز شود. و البته این یکی از "جرایم" بزرگ لنین است که قلب نازک طبقه سرمایه دار و ایدئولوگهایش را آنچنان بدرود آورده است که هرگز از نرفتشان به لنین کم نمیشود. این یکی از دلایلی است که صد سال تمام وقیحانه ترین حملات بورژوازی به لنین را باعث شده است.

صلح: در مقطع انقلاب اکتبر، دول سرمایه داری مثل سگ هار به جان هم افتاده بودند تا دنیا را تقسیم کنند و البته مثل همیشه این کارگران و اقشار تهیدست کشورها بودند که گوشت دم توپ بودند و بدست هم لت و پار میشدند. در این فضای ناسیونالیستی و فاشیستی که قرار بود همه تا میتوانند از انسانهای کشورهای دیگر بکشند تا به اصطلاح وطن خودشان پیروز شود، یعنی عملاً سرمایه داران کشور خودشان در این تقسیم منابع جهان دست بالا پیدا کنند؛ در این فضای که هر کس میگفت سرمایه دار خودمان هم به همان اندازه سرمایه دار کشور همسایه مفتخور است، خائن محسوب میشد؛ در این فضا که حتی خیلی از چپها هم وطن وطن میکردند، لنین با جسارت شگفت انگیز در مقابل خرافات وطن پرستانه قد علم کرد و انسانیت را در مقابلش قرار داد و گفت طبقه کارگر باید تفنگها را از سمت کارگران و تهیدستان کشور دیگر به سمت مفتخوران و سرمایه داران و دولتهای سرکوبگر خودشان برگرداند. اعلام کرد اگر بلشویکها پیروز شوند فوراً جنگ را قطع و برای صلح قدم برخواهند داشت. و میدانیم که بلشویکها به قولشان وفا کردند و به محض پیروزی انقلاب اکتبر که امروز یادش را گرامی میداریم، قرار داد صلح بستند.

آزادی ملت‌های تحت ستم:

بلشویکها به محض پیروزی، کلیه ادعاهای ارضی و مالی روسیه تزاری بر کشورهای تحت نفوذش را ملغی

اعلام کردند. همه کشورهایی را که به زور به امپراطوری تزاری ضمیمه شده بودند را آزاد اعلام کردند. و به همه ملت‌های تحت ستم داخل روسیه هم اعلام کردند حق دارند خودشان در باره سرنوشت سیاسیشان تصمیم بگیرند. نیروهای نظامی روسیه را از مناطق تحت نفوذ مثل ایران بیرون کشیدند. روسیه بر ایران عصر قاجار پایان داد. کارگران پیروز، تمام قرضها را یکطرفه لغو کردند. (لنین قبلاً به حکومت تزاری و سلاخی انقلابیون دوران مشروطه توسط قشون تزار و قاجار رسماً اعتراض کرده بود). قرار داد ۱۹۰۷ که ایران را بین روسیه و انگلستان تقسیم میکرد را ملغی اعلام کردند. تمام بدهی بانک استقراضی ایران و همچنین کلیه دارایی منقول و غیرمنقول این بانک را به ایران مسترد کردند.

زنان: زنان در روسیه، مثل همه جوامع طبقاتی هم عصر، انسان محسوب نمیشدند. از درون این مثلثا میتوان به واقعیت زندگی زنان پی برد: دنیا خانه مرد است و خانه دنیای زن. مسیر زن بین خانه است و چاه آب. اگر زن نمیتواند قالی ببافد نباید غذا بخورد. همانطور که یک گاو آبی را که میخورد انتخاب نمیکند، یک زن هم شوهر خود را انتخاب نمیکند. در این دنیا تنها یک خدا هست. اما برای زنان دو تا: خدا و شوهر. زن باید خواندن بلد باشد تا بتواند قوانین زندگی را از روی دستورات قرآن بخواند. ولی نباید نوشتن را بیاموزد چون در آنصورت قادر خواهد بود نامه های عاشقانه بنویسد. دنیایی از تحقیر زن در این عبارات نهفته است. اینها، انعکاسی از موقعیت فرودست زنان زیر سلطه حکومت تزاری بود. و البته سرمایه داری چنین تبعیض و تحقیر زنان نیاز داشت. این وجهی از در اسارت نگه داشتن کل جامعه بود. انقلاب اکتبر به این تبعیض وقیحانه پایان داد. انسانیت و اختیار و آزادی و حرمت را

به زندگی زنان بازگرداند. زنان حق انتخاب کردن و شدن را بدست آوردند. زنان از خدا و امیر و مالک و ملا و شوهر و آداب و رسوم و روابط خویشاوندی رها شدند. برابری کامل در مسائل زناشویی برقرار شد. زنان مجبور نبودند در صورت نقل مکان شوهر نقل مکان کنند. خاتمه ازدواج منوط به تمایل یکی از طرفین شد. نقش کلیسا در ازدواج لغو شد. چند همسری ممنوع شد. انتخاب نام خانوادگی به اختیار زنان گذاشته شد. زنان مرخصی قبل و بعد از زایمان را کسب کردند. غذا خوری، لباس شویی، محل های نگهداری از کودکان برای آزاد کردن زن از کار خانه ایجاد شد. (کولوتای گفت: جدایی آئینخانه از ازدواج به اندازه جدایی دین از دولت یک واقعیت مهم تاریخی است). زنان حق برابر برای کار مساوی را بدست آوردند. (لازم به ذکر است که چنین حقوقی حتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری از جمله در کشور آمریکا هم هنوز برسمیت شناخته نشده بود)

علاوه بر اینها، انقلاب اکتبر، دنیای کودکان را از تحقیر و ستم رها کرد. حرمت انسانی را به زندگی کودکان گسترش داد. کودکان به اصطلاح نامشروع را که در زیر تحقیر دائمی و محرومیت از کوچکترین حقی پرپر میشدند، از همه حقوق انسانی برخوردار کرد. لازم است بدانید که فقط در جریان جنگ و یورش وحشیانه سفیدها به انقلاب، هفتصد هزار کودک متولد شده بودند که بخشا محصول تجاوز سفیدها - یعنی همان اوباشی که برای شکست انقلاب اکتبر بسیج شده بودند - و نیروهای حمله کننده در جنگ بودند و این کودکان داغ "تنگین" کودکان نامشروع را بر پیشانی داشتند. انقلاب اکتبر مسئولیت نگهداری و پرورش این کودکان را به عنوان انسانهای با حرمت جامعه به عهده جامعه گذاشت. در کنار اینها، آموزش و پرورش مختلط شد. دخالت در زندگی خصوصی ممنوع شد. صفحه ۱۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!